

## Social Issues of Border Residents: Otherness, Media Representation and Securing the Space

Sarah Yousefikhah 

PhD Candidate of Political Sociology,  
Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Rohollah Ghasemi 

PhD Candidate of Political Sociology,  
Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

### Abstract

This article investigates that in what discourse the social issues of the border dwellers do not become problematic. We have chosen the theory of Orientalism (internal) in order to explain the non-problematization of social issues. According to this theory, the general approach of the center is alienation in the peripheral (border) areas, and by creating dualities (linguistic, ethnic and religious), it attempts to securitization of space and implement the policy of assimilation. The general research method is the historical-documentary method. The analysis of media representation shows that out of 781 search items (from 2000 to 2021), the most news about the economic field with 456 news (58%), followed by the security field with 283 news (36%) and then the social and cultural issues of the border dwellers are only 28 news (3.5%), which is an indication of the non-existence of the social issues of the border dwellers. According to the findings, the most prominent social issues of the border areas are massive migrations, the existence of multidimensional poverty, high illiteracy rate, educational situation and inappropriate health treatment situation. The main issue in the current policies is, first, the approach of alienation, and at a lower level, the emphasis is on economic factors and solutions. Economic solutions have not been successful due to weak laws and implementation defects. The suggestion of this research is to adopt a pluralistic approach and simultaneously pay attention to the internal capabilities of bordering regions, villages and cities, such as paying attention to the agricultural economy, expanding welfare services (educational and health), expanding the individual capabilities of people and paying attention to the social development of these areas.

**Keywords:** Border, Social Issues, Other, Media and Securing the Space.


Corresponding Author: r\_ghasami@yahoo.com

**How to Cite:** yousefikhah. S., Ghasemi. R. (2022). Social Issues of border Residents: Otherness, Media Representation and Securing the Space, *Quarterly Journal of Social sciences*, 28(95), 141-182.




## مسائل اجتماعی مرزنشینان: دیگری سازی، بازنمایی رسانه‌ای و امنیتی سازی فضا

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

سارا یوسفی خواه 

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

روح‌الله قاسمی  \*

### چکیده

هدف مقاله بررسی این موضوع است که در چه گفتمانی مسائل اجتماعی مرزنشینان، پرابلمتیک نمی‌شود. در بخش مبانی، نظریه‌ی شرق‌شناسی (داخلی) را به‌منظور تبیین پرابلمتیک نشدن مسائل اجتماعی انتخاب کرده‌ایم. طبق این نظریه، رویکرد کلی مرکز، دیگری سازی در مناطق پیرامونی (مرزی) است و با ایجاد دوگانه‌ها (زبانی، قومیتی و دینی)، دست به امنیتی سازی فضا و اجرای سیاست همسان سازی می‌زند. روش کلی تحقیق روش تاریخی-اسنادی است. بررسی بازنمایی رسانه‌ای نشان می‌دهد که از ۷۸۱ مورد جستجو (از ۱۳۷۹ تا ۱۴۰۰)، بیشترین اخبار در مورد حوزه‌ی اقتصادی با ۴۵۶ خبر (۵۸٪)، پس از آن حوزه‌ی امنیتی با ۲۸۳ خبر (۳۶٪) و سپس حوزه‌ی اجتماعی و فرهنگی مرزنشینان تنها با ۲۸ خبر (۵٪) قرار دارد که خود نشانی از مسئله نبودن مسائل اجتماعی مرزنشینان است. طبق یافته‌های تحقیق بزرگ‌ترین مسائل اجتماعی مناطق مرزی: مهاجرت‌های گسترده، وجود فقر چندبعدی، نرخ بی‌سوادی بالا، وضعیت آموزشی و وضعیت بهداشتی-درمانی نامناسب است. مسئله اصلی در سیاست‌های فعلی، در درجه‌ی اول رویکرد دیگری سازی است و در سطح پایین‌تر تأکید بر عوامل و راهکارهای اقتصادی است. راهکارهای اقتصادی نیز به دلیل ضعف قوانین و نقص اجرایی، به موفقیت نرسیده‌اند. پیشنهاد این پژوهش اتخاذ رویکرد تکثرگرا و توجه هم‌زمان به توانمندی‌های درونی مناطق، روستاها و شهرهای مرزنشین چون توجه به اقتصاد کشاورزی، گسترش خدمات رفاهی (آموزشی و بهداشتی)، گسترش قابلیت‌های فردی مردم و توجه به توسعه اجتماعی این مناطق است.

کلیدواژه‌ها: مرز، مسائل اجتماعی، دیگری، رسانه و امنیتی سازی فضا.

## طرح مسئله

در اندیشه‌ی سیاسی نوین مفهوم مرز بیش از آنکه تعیین حدود اقتدار بیرونی دولت‌ها باشد، مفهومی است برای بازنمایی تثبیت قدرت حاکم در داخل مرزها در محدوده‌ای مردمی که در درون این مرزبندی‌ها به شکلی تصادفی قرار گرفته‌اند. در واقع، در دوره‌ی مدرنیته، مرزها و مناطق مرزی به این جهت که محدوده اعمال حاکمیت و اقتدار ملی هستند همواره توجه خاصی به تأمین امنیت آن‌ها به‌مثابه قلمرو سرزمینی کشور گردیده است. با توجه به مسائل متعدد و خاص مناطق مرزی، وضعیت دولت-ملت در ایران و شرایط اقلیمی، پرداختن به مقوله مرز و توجه به ابعاد ناشناخته آن ضرورت دارد.

ایران به همراه چین و پس از روسیه، رکورددار تعداد همسایه در جهان است. ایران با ۱۵ کشور مستقل مرز خشکی و آبی دارد (Karimipour, 2000:140). ایران در مرزهای زمینی و دریایی مجموعاً دارای ۸۷۵۵ کیلومتر مرز مشترک است، که ۲۷۰۰ کیلومتر آن مرز دریایی و ۶۰۵۵ کیلومتر آن مرز زمینی است. مرزهای زمینی شامل ۱۸۹۳ کیلومتر مرز رودخانه‌ای و ۴۱۶۲ کیلومتر مرز خشکی است. در ایران، ۱۶ استان مرزی وجود دارد که تقریباً نیمی از جمعیت کشور را در برمی‌گیرد. ساکنان مرزنشین این استان‌ها جمعیتی بین ۵ تا ۱۰ میلیون را تشکیل می‌دهند. مساحت بالای استان‌های مرزی، جمعیت بالای مناطق مرزی خود یکی از دلایل اصلی اهمیت مقوله مرز و مسائل مرتبط با آن است.

یکی از ویژگی‌های اصلی مناطق مرزی، دوری از مرکز کشور است. این مسئله جغرافیایی که از طبیعت مناطق مرزی ناشی می‌شود، پیامدهای نامطلوبی را برای مناطق مرزی به همراه دارد که مهم‌ترین آن، محرومیت شدید و حاشیه‌ای بودن این مناطق نسبت به مسیر امواج توسعه کشور است. دوری از مرکز جغرافیایی کشور، که به معنای دوری از مراکز قدرت و تصمیم‌گیری سیاسی، اداری، قضایی و اجرایی است، باعث می‌شود مناطق مرزی کمتر در جریان برنامه‌های توسعه داخلی قرار گیرند. در ادامه به برخی از مسائل اجتماعی مناطق مرزی و میزان اهمیت آن‌ها در زیست مرزنشینان اشاره می‌کنیم.

حدود نیمی از جمعیت کشور در استان‌های مرزی ساکن شده‌اند و نیمی از مهاجران

کشور نیز مربوط به این استان‌ها هستند. مهاجرت را می‌توان پدیده پیچیده‌ای دانست که با زمان، فرهنگ و شرایط اقتصادی در ارتباط است. مهاجرت به‌عنوان یک نوع تطبیق و سازگاری اجتماعی در پاسخ به نیازهای اقتصادی، اجتماعی و تحولات فرهنگی که از جریان تغییرات جمعیتی ناشی می‌شود، در سطح محلی، ملی و یا بین‌المللی پدید می‌آید (Sheikhi, 2000:159). بر اساس نتایج سرشماری، طی دوره‌ی ۱۳۷۵-۱۳۸۵ حدود ۱۲ میلیون نفر مهاجر در کشور جابه‌جا شده‌اند، در دوره‌ی ۱۳۸۵-۹۰ حدود ۵ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر و در دوره ۹۵-۱۳۹۰ به ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر بوده است. رقم مهاجرت برای استان‌های مرزی طی دوره‌های مذکور به ترتیب ۵ میلیون و ۴۳۰ هزار نفر، ۲ میلیون و ۳۵۰ هزار نفر و ۱ میلیون و ۸۴۰ هزار نفر بوده است؛ بنابراین، مهاجرت بالای مردم این مناطق و خالی از سکنه شدن این نواحی یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی مرزنشینان است.

از طرفی مرزهای کشور با کشورهای اطراف از نوع مرزهای تحمیلی است. مرزهای تحمیلی از مرزهایی هستند که به‌طور ناخواسته و بدون تمایل باطنی با توافق اجباری تعیین شده است. این مرزها غالباً بعد از جنگ و درگیری شکل گرفته و تأمین‌کننده نظرات و خواسته‌های کشور فاتح بود؛ و پذیرش آن از جانب کشور شکست‌خورده ناخواسته و تحمیلی بوده است؛ مانند مرزهای شمال غربی کشور که با انعقاد عهدنامه ترکمانچای مرزبندی شده است. بدین ترتیب مردمی که از یک نژاد با یک زبان بوده و با داشتن فرهنگ مشترک، سال‌ها با هم زندگی کرده‌اند، در اثر عبور خط مرزی به دو دسته تقسیم‌شده و هر یک تحت لوای حکومت جداگانه به سر می‌برند (Sanaei, 2005:20).

وجود محرومیت‌های شدید اقتصادی و میزان بالای بیکاری در مناطق مرزی، در افزایش عبور غیرمجاز افراد، قاچاق کالا و سایر اموری که با منافع ملی کشورها در تضاد است، نمود پیدا می‌کند. بر اساس مطالعات انجام‌شده مناطق دارای شاخص‌های بالای توسعه، از ضرایب امنیتی بالاتری نسبت به مناطق توسعه‌نیافته برخوردارند (Andalib, 2001:196). وضعیت معیشتی نامناسب، در کنار انواع محرومیت‌های دیگر که استان‌های مرزی و مناطق مرزنشین با آن‌ها درگیر هستند، ضرورت بررسی مسائل این مناطق را

خاطرنشان می‌کند. علاوه بر مهاجرت، وضعیت مناطق مرزی در دیگر شاخص‌های اجتماعی نیز نامناسب است. از منظر شاخص‌های آموزشی مناطق مرزی با کمبود امکانات شدیدی روبه‌رو هستند. نرخ بی‌سوادی این استان‌ها از میانگین کشور بالاتر است. ۱۲ استان مرزی نرخ بی‌سوادی بالاتر از میانگین دارند و نرخ بی‌سوادی استانی مثل استان سیستان و بلوچستان (۲۳٫۸ درصد) تقریباً دو برابر میانگین کشوری (۱۲٫۳ درصد) است. از منظر شاخص‌های بهداشتی نیز استان‌ها و مناطق مرزی از وضعیت مناسبی برخوردار نیستند. اغلب این استان‌ها در شاخص‌هایی مثل تعداد تخت فعال بیمارستانی و یا تعداد پزشک به هر صد هزار نفر جمعیت از میانگین کشوری پایین‌تر بوده و از امکانات و تجهیزات پزشکی و بهداشتی لازم در این مناطق محروم هستند. وضعیت معیشتی نامناسب این مناطق (فقر و نرخ بیکاری بالا) نیز مزید بر علت شده و مسائل اجتماعی آن‌ها را بازتولید می‌کند.

همان‌طور که ذکر شد، مناطق مرزی از مناطق توسعه‌نیافته و کمتر توسعه‌یافته به شمار می‌روند و نسبت به مناطق داخلی محروم‌تر هستند. تاکنون اگر توجهی شده باشد به ابعاد اقتصادی توسعه‌ی این مناطق تمرکز شده است که اتفاقاً به دلیل عدم اهمیت به ابعاد دیگر چون مسائل اجتماعی، راهکارهای اقتصادی نیز راه به‌جایی نبرده‌اند. در حقیقت ابتدا باید به این مسئله پرداخت که در چه گفتمان یا پارادایم نظری‌ای مسائل اجتماعی مرزنشینان پرابلماتیک نمی‌شود. اساساً چرا این مسائل در سایه‌ی حوزه‌های اقتصادی و امنیت قرار می‌گیرند. در این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم.

## ۲- پیشینه پژوهش

اکثر مطالعاتی که در خصوص مناطق مرزی و مرزنشینان صورت گرفته است، به مسائل و موضوعات اقتصادی و یا امنیتی این مناطق می‌پردازند. مسائلی چون عوامل مؤثر بر امنیت (Ghadermazi et al., 2019)، اقتصاد مناطق مرزی (Lotfi & Musizadeh, 2018)، بازارچه‌های مرزی (Zare et al., 2015)، تعاونی‌های مرزنشینان (Jumapour & Talebi, 2012)، عوامل و زمینه‌های قاچاق کالا (Aslani et al., 2015)، عوامل بازدارنده توسعه اقتصادی (Ramezani & Ghasemi, 2021)، مشارکت مرزنشینان در

جلوگیری از جرائم مرزی (Zibande & Faiz Bakhsh, 2015) صورت گرفته است. در حقیقت، دو حوزه‌ی کلان پژوهش یعنی امنیت و اقتصاد بیشترین پژوهش‌ها را در مناطق مرزی به خود اختصاص داده‌اند؛ اما پژوهش‌های مرتبط با حوزه‌ی اجتماعی بیشتر به موضوعاتی چون رابطه‌ی سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی (Rezapor, 2016)، احساس امنیت اجتماعی (Malek Hosseini, 2015)، تجربه‌های زیسته مرزنیسانان از مرز (Fatuhi & Fazli, 2019) و سنجش اعتماد اجتماعی بین مرزنیسانان (Naimi & Mehdizad, 2017) پرداخته‌اند. در ادامه به نتایج دو پژوهش که ارتباط نزدیک‌تری با موضوع این پژوهش دارند، می‌پردازیم.

در مقاله «شهرهای مرزی و مسائل اجتماعی» (Saidipour & Mirzaei, 2012) به موضوع مسائل اجتماعی مرزنیسانان، به‌طور موردی استان سیستان و بلوچستان پرداخته شده است. به نظر نویسندگان از جمله نواحی که مردمان آن‌ها درگیر مسائل اجتماعی گوناگونی هستند، شهرهای مرزی هستند که متعاقباً امنیت و مسائل اجتماعی آن‌ها سایر شهرها را مورد تأثیر قرار می‌دهد. با اینکه این مقاله مدعی پرداختن به مسائل اجتماعی مرزنیسانان است، اما این مقوله را از زاویه‌ی تأثیر آن بر امنیت می‌سنجد. به نظر آن‌ها ناامنی مناطق مرزی باعث نگرانی مرزنیسانان و دولت مرکزی می‌شود. به نظر آن‌ها اهمیت مسائل اجتماعی در روند توسعه جوامع و امنیت مرزنیسانان مورد توجه محققان قرار گرفته است. روش تحقیق این پژوهش کتابخانه‌ای و استفاده از منابع دست‌اول بوده است. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که ساکنان مرز، اعتماد زیادی نسبت به یکدیگر دارند و وجود برخی مسائل مهم چون قاچاق انسان، مشروبات الکلی و ورود کالاهای نامتعارف فرهنگی معضلات فراوانی چون اعتیاد و فساد اخلاقی برای جوانان این شهرها به ارمغان آورده است.

در مقاله «تأثیر وضعیت اجتماعی-اقتصادی مرزنیسانان بر قاچاق کالا» (Shatrian et al., 2011) نویسندگان به موضوع توسعه نامتوازن در کشور که موجب نابرابری‌های فضایی، اجتماعی و اقتصادی شده و در نتیجه باعث قاچاق کالا می‌شود، می‌پردازند. پژوهش مذکور با روش کتابخانه‌ای و پیمایش انجام شده است. این پژوهش راهکارهایی

آمایشی برای کاهش قاچاق کالا از طریق بهبود وضعیت اقتصادی-اجتماعی مرزنشینان ارائه داده است این راهبردها شامل: ایجاد زمینه‌ی مناسب برای بهره‌مندی از خلاقیت و نوآوری جوانان در کارآفرینی و بنگاه‌های زودبازده، گسترش مبادلات اقتصادی به‌ویژه در بخش کشاورزی، استفاده از موقعیت اقتصادی و ژئواستراتژیک منطقه در هم‌جواری با کشورهای همسایه، ایجاد شرایط مناسب برای گسترش سرمایه‌گذاری در منطقه با استفاده از نیروهای متخصص و بومی، شفاف‌سازی قیمت‌ها است. همان‌طور که مشخص است، کمتر پژوهشی بی‌واسطه به موضوع مسائل اجتماعی مرزنشینان و سیاست‌هایی که منجر به آن می‌شود و بازنمایی این موضوعات در رسانه پرداخته‌اند. یکی از علل اصلی ضرورت پژوهش اخیر نیز همین مورد است.

### ۳- مبانی نظری

در این ارتباط ابتدا به تعریف مفاهیم مرز و دیگری‌سازی (خلق دیگری) می‌پردازیم و سپس چارچوب گفتمانی که در آن دیگری‌سازی صورت گرفته (در همین چارچوب اساساً مسائل اجتماعی مرزنشینان نیز در سایه‌ی مقوله‌های امنیتی و اقتصادی قرار می‌گیرد) را تشریح می‌کنیم.

#### تعریف مفهوم مرز

مرز را می‌توان خطوط ساختگی‌ای تعریف کرد که با شکل‌گیری دولت‌های سرزمینی ایجاد شده و بدون در نظر گرفتن همسانی‌های قومی، فرهنگی و مذهبی یک منطقه، همواره به‌صورت عاملی تنش‌زا و خطرآفرین برای تمامیت ارضی سرزمین ظاهر شده است (Saremi et al., 2016). در تعاریف علمی بر این گزاره توافق وجود دارد که مرز به خطی پیرامونی برای جداسازی سیاسی دو سرزمین اطلاق می‌شود، این خط می‌تواند با مظاهر طبیعت مانند کوه‌ها و یا به‌صورت قراردادی بین دو واحد سیاسی ترسیم شود (Heidari, 2016). همچنین در مقابل تعریف قراردادی و سخت‌افزاری، تعریف نرم‌افزاری مرز مورد تأکید قرار گرفته که در آن مرزها بر اساس هم‌گرایی‌های فرهنگی، قومیتی،

زبانی، مذهبی و ... تعریف می‌شوند (Saremi et al., 2016)؛ به عبارت دیگر در مقابل تعاریف کلاسیک مانند مایکل فوچر<sup>۱</sup> که کارکرد بنیادی مرزها را تقسیم‌بندی‌های فضایی و زمانی در روابط اقتصادی، سیاسی، نظامی و... در روابط بین‌الملل در نظر می‌گیرد و همچون دانیل کولارد<sup>۲</sup> به اهمیت مرزها در جنگ و صلح در روابط بین‌الملل تأکید دارد، در تعاریف نرم‌افزاری جدید، مطالعات مرزی از حوزه خاص جغرافیایی خارج شده و به مطالعات چندرشته‌ای انتقال یافته است (Moraczewska, 2010) و همچنین از مبحث فضایی به مبحث کاربردی شیفت یافته است. مورازوسکا معتقد است مرزها می‌توانند نقش مهمی در برقراری صلح میان دو کشور هم‌جوار و حتی در سطح بین‌المللی ایفا کنند؛ به عبارت دیگر دولت‌ها در جریان اتخاذ سیاست در خصوص مرزها به صورت هم‌زمان سیاست خارجی خود را نیز در فضای بین‌المللی رقم می‌زنند. به نظر مورازوسکا در فضای بین‌المللی معاصر نمی‌توان نقش فاکتورهایی چون جهانی‌شدن، پروسه‌های فراملی و قلمروزدایی<sup>۳</sup> را در تعریف مرزها نادیده انگاشت.

### تعریف مفهوم دیگری‌سازی (خلق دیگری)

در این مطلب خاستگاه نظری مفهوم دیگری‌سازی یا خلق دیگری، بیش از هر جا در قرابت با تئوری‌های پسااستخارگرایی و پسااستعماری دنبال می‌شود. ردگیری این مفهوم در مبحث گفتمان فوکو می‌تواند ما را به یک مبنای نظری گویا رهنمون سازد. گفتمان عبارت از یک نظام معنایی است که به دلیل غلبه نوعی از نظام اجتماعی یا نظام شناختی، شکل می‌گیرد و به بازتولید و دوام آن نظام، خدمت می‌رساند. این نظام معنایی کنترل‌شده که با همدستی دانش و قدرت خلق می‌شود وظیفه‌ی بازنمایی در یک جامعه را به عهده دارد و به کنترل و مرزبندی شیوه‌ها و ابزار برای بازنمایی دست می‌زند (Abbaszadeh, 2011) طبق قاعده

1. Micael Foucher
2. Daniel Colard
3. Deterritorialization

تمایل دولت‌ها و واحدهای سیاسی برای انگیزه دادن به توده‌های مردم در جهت حرکت به سوی جهانی شدن و بهره‌گیری از دستاوردهای آن



روش‌شناسانه‌ی درون‌ماندگاری<sup>۱</sup> فوکو، در صورت‌بندی دانش مدرن اگر چیزی به‌عنوان قلمرو پژوهش برساخته شده باشد، تنها به این دلیل است که روابط قدرت آن را به‌عنوان یک ابژه‌ی ممکن به وجود آورده است و قدرت فقط می‌تواند بر چیزی اعمال شود که تکنیک‌های دانش و رویه‌های گفتمان قادر به بررسی آن باشد. پزشکی و سیاست نمونه‌ی خوبی از این ارتباط‌اند. پزشکی در همدستی‌ای میان قدرت و دانش به برساخت مدلی از انسان به‌عنوان انسان سالم که به تضمین فایده‌ی اقتصادی توده‌های جدید مردم در محیط‌های شهری متمرکز منتهی می‌شد و در مقابل آن، دیگری‌ای که فاقد سلامت و فاقد چنین فایده‌ای بود دست زد، این دیگری‌سازی با ابزارهای جمع‌آوری دانش همانند ابزارهای نظارت بر جمعیت‌ها، دستگاه مشاهده و مداخله همراه بوده است. (Foucault, 1995 and 2006)

بعد از مطرح‌شدن نظریات جدید پسااستعمارگرایی در نقد عقل مدرن، حقیقت و پیشرفت غربی بسیاری از نظریه‌پردازان کشورهای مستعمره و تا حدودی تحصیل‌کرده‌ها و روشنفکران این کشورها، انتقادات پیچیده‌ای را تحت عنوان پسااستعمارگرایی شکل دادند. در اصل ایده نقد پسااستعماری محدود کردن بازانندیشی ریشه‌ای دانش و هویت‌های اجتماعی است که توسط استعمارگرایی و سلطه غرب تصویب و تأیید شده‌اند (Peet, 1999:192). سعید برای بررسی ابعاد سیاسی و فرهنگی مناسبات قدرت بین منطقه‌ای از نظریه گفتمان فوکو استفاده کرد و معتقد بود که تقابل دوگانه مانند شرق/غرب تمامی تعاملات بین اروپاییان و ملل دیگر را تعیین می‌کند. سعید بر این باور بود که تعبیر نظریه‌های مربوط به شرق به روشن شدن تصویر ضد و نقیص از اروپا به‌عنوان دیگری مکانی و فرهنگی خود کمک کرد (Peet, 1999:194). وی همچنین در بسط نظریه خود با بهره‌گیری از آراء دریدا در باب نظام معنایی، «دیگری‌سازی» را ابزاری برای تثبیت هویت خود و لازمه‌ی تقویت گفتمان ملی‌گرایی در غرب به حساب آورد. در نظرگاه دریدا خلق و پرورش یک معنا در یک گفتمان، نیازمند اختیار کردن تقابل‌های دوتایی در معناسازی و

---

1 immanence

تولید دیگری است، به عبارت دیگر برای بر ساخت آنچه هست ناگزیر به تولید آنچه نیست هستیم (Eagleton, 1983). بر همین مبنا و بر مبنای نظریه‌ی «خلق دیگری» در نظریه‌ی شرق‌شناسی، در این مقاله مفهوم «دیگری‌سازی» برای تبیین استراتژی دولت‌ها در ایران در رابطه با مرزنشینان که غالباً اقلیت‌های قومیتی و مذهبی را شامل می‌شوند بهره گرفته می‌شود.

### ۳-۱ نظریه خلق دیگری

در مورد سیاست‌های دولت‌ها در برخورد با مسائل مربوط به مرز، نظریات متعددی مطرح شده است. در این راستا عمده نظریات به جنبه‌های ساختاری جامعه و انحصار موقعیت‌های اجتماعی از سوی اعضای گروه مرکزی و حاکم تمرکز کرده‌اند. توزیع تبعیض‌آمیز و غیرعادلانه فرصت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از جمله فرصت‌های رفاهی، علمی، فرهنگی و منزلتی از موضوعاتی است که به ظن صاحب‌نظران در اعتماد گروه‌ها و در ایجاد همبستگی ملی در یک هویت سرزمینی و یا ایجاد ناسیونالیسم قومی در گروه‌های مرزنشین که عموماً در قومیت، مذهب و فرهنگ با مرکز‌نشینان متفاوت‌اند، تأثیرگذار است. در این ارتباط می‌توان به عنوان نمونه نظریات محرومیت نسبی تد رابرت گر و رائی مان و هوند ریش که بر اساس آن احساس عقب‌ماندگی از قوم مرکز و مقایسه میزان ارضای نیازهای خود در برابر قوم غالب منجر به نارضایتی و احساس فرودستی می‌شود، همچنین نظریات معروف به استعمار داخلی کویو گلو، هشتر و پیتز بلا که به تأثیر تقسیم تبعیض‌آمیز منابع و امکانات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و عدم مبادله بر اساس عدالت توزیعی در ایجاد نارضایتی و بحران در میان گروه‌ها تأکید ورزیده‌اند، اشاره کرد. به دیگر سخن آنچه مدنظر نظریه‌پردازان قرار دارد این است که با برقراری مرز میان دو کشور و ایجاد مناطق حاشیه‌ای، محرومیت و احساس توسعه‌نیافتگی در مقایسه با مرکز در کنار خطرات و تهدیدات امنیتی مهم‌ترین نکات منفی مرزها را تشکیل می‌دهند (Salehi Amiri, 2006 and Mir Lotfi, 2014 and Kazemi, 2016).

در پژوهش حاضر وقوف بر نظریات پیشین و همچنین مطالعه و تدقیق در نظریات

جدیدتر محقق را به کار بست چارچوب نظری شرق شناسی در خصوص رابطه دولت و گروه‌ها در ارتباط با مدیریت و کنترل امنیت مرز سوق داده است. نتایج سیاست‌های رفاهی و نحوه توزیع منابع، همچنین استراتژی‌های فرهنگی و آموزشی و برخوردهای سیاسی و نظامی در مدیریت و کنترل مرزها از سوی دولت‌ها در ایران، در مواجهه نظری شرق شناسانه به مفهوم «خلق دیگری» اشاره دارد که به نظر می‌آید هم بازگو کننده نظریات پیش‌تر عنوان شده در این حوزه است و هم زوایای جدیدی از موضوع مورد نظر را در بر می‌گیرد. بر همین مبنا ابتدا به شرح نظریه‌ی شرق شناسی ادوارد سعید پرداخته و سپس به قرابت‌های نظری آن با سیاست‌ها و رویکرد مدیریتی دولت‌ها در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم. نظریه شرق شناسی سعید بیش و پیش از هر دیدگاهی منبعث از پارادایم پساساختارگرایی و متأثر از آرای فوکو است. واژه‌ی سوژه نزد فوکو دو معنا دارد، اولین معنا به قدرت به‌عنوان تحمیل و سلطه به‌وسیله‌ی دیگری دلالت دارد، درحالی که دومین معنا به محدود شدن به‌وسیله‌ی هویت فردی؛ بنابراین تبارشناسی چگونگی برساختن سوژه‌ها به‌وسیله‌ی دیگران و این که ما چگونه در برساختن خود به‌عنوان سوژه‌ها مشارکت می‌کنیم را مورد بررسی قرار می‌دهد.

بزهکار فردی است که به‌وسیله‌ی تکنیک‌های نظام کیفری به وجود می‌آید به‌مانند شخصیتی که با امر بهنجار مطابقت نداشته و اصلاح‌ناپذیری او نه نتیجه شکست سیستم ندامتگاه بلکه محصول موفقیت‌آمیز آن بود زیرا به مدد تعلق داشتنش به طبقه پایین جامعه مظهر قانون شکنی سیاسی مفیدی بود که می‌توانست برای تحذیر پرولتاریا از بی‌قانونی‌های سیاسی، زیر نظر گرفتن جماعت‌ها و حفظ چرخه‌های پلیس - زندان - بزهکار به کار گرفته شود. انقیاد از طریق کردارهای تقسیم‌گر عمل می‌کند، ما با محبوس کردن هموعانمان با نام دیوانگان خود را متقاعد می‌کنیم که عاقل هستیم ( Simons, 2013:170). دیوانگان، بزهکاران و... را به‌عنوان دیگری، یعنی کسانی که از قانون‌مندی بورژوازی و هر آنچه به‌عنوان قانون اخلاقی پنداشته می‌شود و در واقع از امر بهنجار، تخطی کرده‌اند، در یک مجمع‌الجزایر زندان گونه از نهادهای انضباطی (بیمارستان، زندان، مدرسه،

ارتش و... محبوس و مجازات می‌کنیم. لازمه‌ی درک فوکویی از دیگری‌سازی، خوانشی گفتمانی از معرفت است که بر پایه‌ی آن ساختار زبان حامل اجزای ثابت و پایدار نبوده و ارتباطات کلمات و مفاهیم بسته به زمان‌ها و مکان‌های متفاوت معانی متفاوتی را بیان می‌کنند. گفتمان را همچنین می‌توان نمایانگر تبیین زبان در ارتباطات غیرکلامی و در ورای کلمات و عبارات بلکه در کنش‌ها و علامات و ارتباطات اجتماعی غیرقابل تقلیل به گفتار و سخن، درک کرد. گفتمان‌ها درباره سوژه‌ها صحبت نکرده و هویت آن‌ها را تعیین نمی‌کنند، بلکه سازنده سوژه‌ها بوده و در فرایند این سازندگی، مداخله خود را پنهان می‌دارند.» از این‌رو، معانی و مفاهیم نه از درون زبان، بلکه از درون اعمال تشکیلاتی و ارتباطات اجتماعی-سیاسی افراد با یکدیگر، حاصل می‌شوند. (Foucault, 1969)

ادوارد سعید منتقد ادبی فلسطینی به‌عنوان نظریه‌پرداز برجسته تئوری‌های پسااستعماری در نظریه‌ی شرق‌شناسی‌اش با استفاده از تحلیل‌های گفتمانی فوکو و مفهوم هژمونی گرامشی به تقابل‌های برساخته‌گریبان از شرق به‌عنوان دیگری و بدیل خود از نظر مکانی و فرهنگی می‌پردازد. ادوارد سعید در کتاب معروفش شرق‌شناسی به گفتمان غربی که توسط نهادها، واژگان، دانش، تصورات و دکترین‌ها شرق را چه به لحاظ سیاسی و چه از نظر ذهنی و فرهنگی برساخت و به وجود می‌آورد، اشاره می‌کند (Said, 1978)

سعید نقدی فراهم ساخت که بر اساس آن مطالعات و تئوری‌های متفکران غربی درباره‌ی شرق صرفاً به بازنمایی‌های برآمده از گفتمان قوم‌محور غربی تقلیل داده شد. بر مبنای این نظر، آنچه به‌عنوان شرق‌شناسی در نهادهای آکادمیک غربی جریان داشت برساخته‌های بی‌ارتباط با واقعیتی بودند که به تقویت هویت غربی یاری می‌رساندند. به باور سعید غرب در جریان تقویت گفتمان ملی‌گرایی، نیاز به برساخت نوعی «دیگری» داشت که با تمیز دادن خود از آن به انسجام جامعه غربی دامن بزند. در این نگاه، غرب مبادرت به ساختن تصویری از شرق به‌عنوان دیگری خود کرد که شرق در آن سنخیتی با شرق واقعی نداشت. سعید در ساخت و پرداخت نظریه خود همچنین از نظریه دریدا درباره‌ی فرایند شکل‌گیری معنا بهره‌جسته است که در آن هر چیزی با مشخص کردن فاصله‌ی

خود با دیگری‌ای غایب و فاقد امکان سخن گفتن، معنای خود را برمی‌سازد (Abbaszadeh, 2011). ادوارد سعید در نظریه‌ی شرق‌شناسی‌اش با استفاده از تحلیل‌های گفتمانی، به تقابل‌های برساخته‌گریبان از شرق به‌عنوان دیگری و بدیل خود از نظر مکانی و فرهنگی می‌پردازد. بدیلی که هرچه غرب در مسیر پیشرفت، توسعه، عقلانیت، انسانیت و در یک کلام به سمت مدرنیته آرمانی به‌طور شتابان حرکت کرده و پیشتازی می‌کند به‌جای آن شرق در جهتی کاملاً معکوس یعنی به‌سوی عقب‌ماندگی، سکون، عقلانیت‌ستیزی قدم برداشته و به‌طور خلاصه در ایستایی سنت از حرکت باز ایستاده است و احتیاج به کمک دنیای غرب و افکار غربی دارد تا بتواند به پیشرفت و توسعه برسد. (Said, 1978 and Peet, 1999).

طرد هویت فرهنگی و مذهبی اقوام مرزنشین که به علت تفاوت با مرکزینشینان به‌عنوان نوعی تهدید به آن نگریسته می‌شود. نه‌تنها به شکل توزیع نابرابر امکانات و منابع و ایجاد فضای امنیتی، بلکه با تولید دانش تک‌گویانه و خودمحو‌رانه در فضای فرهنگی کشور نیز همراه بوده است (در این مورد به‌طور مثال میزان پرداختن به زندگی مرزنشینان در کتب درسی بسیار ناچیز است) و در مقابل پرورش فرهنگ و گفتار قومیتی کم‌تر دیده شده است. سعید در شرح و بسط نظریه‌ی خود، گفتمان شرق‌شناسی، به بررسی محتواهای تولیدشده‌ی محققان و نویسندگان فضاهای آکادمیک می‌پردازد. موضوع مدنظر ما نیز مواجهه با نوعی تبیین آکادمیک در خلق دیگری در مواجهه با قومیت و مذهب غیر در فضای اندیشگی ایران است. از میزان بسیار اندک پرداختن به مرزنشینان در منابع درسی مدارس و تحمیل خودمحو‌رانه زبان و گویش قوم مرکز به کل اقوام، گرفته تا ورود دوگانه‌های شهری/روستایی، متن/حاشیه، مدرن/سنتی، پایتخت‌نشین/شهرستانی، به مطالعات دانشگاهی و پژوهش‌ها در خصوص علل توسعه‌نیافتگی این مناطق که به کوچک‌شماری خشونت‌آمیز این اقوام می‌انجامد، می‌تواند نمونه‌ای از مصداق‌های دیگری‌سازی فرهنگی و برساخت «دیگری فروتر» برشمرده شود.

یکی دیگر از ویژگی‌های مناطق مرزی که باعث می‌شود فرایند دیگری‌سازی و نگاه

امنیتی-نظامی در آن تشدید شود مقوله‌ی امنیت و ضرورت ایجاد امنیت در مرزهاست. بر کسی پوشیده نیست که در بررسی جوانب مختلف برنامه‌ریزی برای مناطق مرزی نمی‌توان از مقوله امنیت چشم‌پوشی کرد. بحث امنیت مرزی که به‌طور اجتناب‌ناپذیری با امنیت کشور گره خورده است، مسئله‌ای مهم، حساس و غیرقابل‌اغماض است. در واقع بدون داشتن امنیت چه در مرز و در نتیجه آن در کل کشور، هیچ‌گونه برنامه‌ریزی و صحبت از توسعه پایدار و متوازن امکان‌پذیر نیست. از همین رو، به‌منظور تجزیه‌وتحلیل موشکافانه مسئله مرز و انتخاب استراتژی مناسب امنیتی، ناگزیریم به مبحث امنیت و نحوه تأمین آن در نواحی مرزی نیز توجه داشته باشیم. رویکردهای متفاوتی نسبت به مقوله مرز، به‌خصوص در کشورهای خاورمیانه با توجه به موقعیت استراتژیک آن وجود دارد که به‌طور کلی می‌توان آن‌ها را به سه دسته تقسیم کرد: استراتژی تهدیدمحور، فرصت‌محور و تلفیقی.

رویکرد تهدیدمحور: پایه و مبنای این استراتژی بر تهدیدزا بودن مرزها و مناطق مرزی استوار است. در این نگرش توجه به تهدیدها در مقابل فرصت‌ها در رابطه با مرزها پررنگ است. در این استراتژی، چارچوب کنترل و مدیریت مرز در قالب شیوه‌های نظامی و امنیتی محقق می‌شود و نیروهای نظامی و انتظامی، متولی سیاست‌ها و راهکارها در اداره و کنترل مرزها خواهند بود.

رویکرد فرصت‌محور: در این استراتژی برخلاف استراتژی قبلی که توجه به تهدیدات را مبنا قرار می‌داد، اولویت و توجه اصلی به مدیریت مطلوب مرزها برای رسیدن به فرصت‌ها است. بنابراین تلاش می‌شود که زمینه‌های خلق فرصت‌ها در همه بخش‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی فراهم شود و با توسعه مناسب در این بخش‌ها، بسیاری از عوامل تهدیدزا برطرف شوند و از بین بروند. بر اساس این تفکر، قرار گرفتن مرزها در حصار امنیتی و انتظامی و کنترل‌های شدید نظامی موجب از بین رفتن فرصت‌ها و نابودی امکانات و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل منطقه می‌شود که در نتیجه شاهد یک چرخه معیوب توسعه‌نیافتگی و فقر در مناطق مرزی خواهیم بود.

رویکرد تلفیقی: در این نگرش تمام جنبه‌های تهدید و فرصت در مدیریت مرز

به‌طور هم‌زمان در نظر گرفته می‌شود. بر مبنای این راهبرد، در عین حال که ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل موجود برای رشد و توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مناطق مرزی و پیرامونی آن‌ها در نظر گرفته می‌شود - که عاملی برای تولید قدرت ملی و توسعه کشور نیز خواهد بود - از عوامل تهدیدزا و آسیب‌هایی که منافع ملی را در این مناطق به مخاطره می‌اندازند نیز غفلت نمی‌شود؛ یعنی سیاست‌های مقابله‌ای و اقدامات اجرایی مربوط به عمران و توسعه مناطق مرزی به گونه‌ای هم‌زمان دنبال می‌شوند (Aslani et al., 2014:33-34).

آنچه رفت‌نشان می‌دهد که شیوه تقویت گفتمان ملی‌گرایانه در جامعه ما کم‌تر بر توزیع برابر امکانات و منابع، تخصیص بدون تبعیض سمت‌ها و مناصب به‌خصوص در میان مذاهب، توجه به تفاوت‌های فرهنگی با ایجاد فضای آزاد برای قومیت‌ها در ترویج اعتقاداتشان، تمرکز داشته و به سمت همسان‌سازی<sup>۱</sup> فرهنگی به معنای سیاست‌گذاری برای ترویج و بسط فرهنگ قوم مرکز و مذهب غالب گرایش داشته است. برخلاف هدف این گفتمان، بیشتر موجب چالش‌ها و مشکلات عدیده‌ای چون قوم‌گرایی‌های رادیکال که به هزینه‌های سیاسی برای حکومت می‌انجامد (در بالاترین سطح)، ایجاد احساس رنج دور بودن از مرکزیت توجه، تشدید فزاینده‌ی روحیه‌ی مرکزستیزی و همراه نشدن با گفتمان مرکز (در سطح متوسط) و بالا رفتن میزان جرائم مرزی که به ایجاد فضای امنیتی نظامی و مدیریت تنبیهی و تهدید محور (در سطح عمومی) و چالش‌هایی ازین دست شده است.

سازوکار دیگری که در همسان‌سازی دست‌اندرکار بوده، شکل‌گیری گفتمانی است که پیشرفت و توسعه مناطق مرزی را به‌عنوان بدیل فرهنگی و مکانی برای قوم مرکزی در نظر گرفته است. از این مسیر که به نحوی برساخت می‌شود که مناطق مرکزی در مسیر پیشرفت، توسعه، عقلانیت و مدرنیته آرمانی به‌طور شتابان حرکت کرده و پیشتازی می‌کند (فارغ از میزان تفاوت آن در واقعیت)، در مقابل با برجسب عقب‌ماندگی، سکون و عقلانیت‌ستیزی به شهرستان‌ها و روستاها که مناطق مرزی شامل آن می‌شود منجر به ساختن دوگانه سنتی و مدرن می‌شود. حاصل این دوقطبی‌سازی شدید (مدرن یعنی مناطق مرکزی

در برابر سنتی یعنی مناطق حاشیه یا مرزی) استدلال لازم را برای از بین بردن فرهنگ‌های این مناطق (به‌عنوان علت عقب‌ماندگی آن‌ها) مهیا می‌کند. این نگاه خودبرترانگاران در برنامه‌های توسعه، در نهادهای آکادمیک، در رسانه‌ها بخصوص کلیشه‌سازی‌های تلویزیونی و امثالهم دنبال می‌شود.

اما آنچه به ظن نظریه‌ی «خلق دیگری» در نتیجه چنین برتری‌جویی‌ای حاصل می‌شود، نه تثبیت هویت خود و تقویت ملی‌گرایی در اقوام بلکه به خلق گفتمانی وارونه با واکنش‌های تند ایدئولوژیک و قطبی شدن دوتایی‌ها همچنین به دیگری‌سازی‌های مفرط که شناخت صحیح دیگری را مختل می‌سازد، می‌انجامد. (Abbaszadeh, 2011)

همسان‌سازی به معنای اتخاذ سیاست هضم و جذب اقلیت در جامعه برتر و ایجاد تجانس در میان گروه‌های جامعه بدون در نظر گرفتن ویژگی‌ها و حقوق قومی و گروهی (Salehi Amiri, 2006) و همچنین به معنای تلاش در تطابق دادن اقلیت با اکثریت در سطوح مختلف فرهنگی و اجتماعی به‌کاررفته است. میلتون ام. گوردون، جامعه‌شناس آمریکایی بر شکست سیاست همسان‌سازی در جامعه تمرکز کرده و این سیاست را با مقاومت اقلیت برای حفظ حقوق و فرهنگ خود مواجه می‌داند (Nourbakhsh, 2008). بر این اساس همسان‌سازی از سوی گروه حاکم می‌تواند به شیوه غیرمستقیم و با عدم تلاش برای ارتقا اقتصادی گروه اقلیت محقق شود یعنی قرار گرفتن گروه اقلیت در تنگناهای اقتصادی در اثر برخورد تبعیض‌آمیز گروه حاکم در توزیع منابع و امکانات رفاهی، قوم‌فرودست را مجبور به همانند شدن با گروه مرکز کند، همان‌طور که آمد در این شرایط واکنش گروه اقلیت به تلاش برای محافظت از حیات فرهنگ خویش حتی تا رادیکالیزه شدن پیش می‌رود و اگر کسی از میان قوم ضعیف با گروه حاکم همراه شود با واکنش منفی هم‌کیشان خود مواجه خواهد شد (Salehi Amiri, 2006). بر اساس نظریات مطروحه می‌توان نتیجه گرفت جوامعی که همسان‌سازی را به‌عنوان سیاست مدیریت اختلافات میان اقوام برمی‌گزینند به دیگری‌سازی در دو مرحله دامن می‌زنند، مرحله اول اقدام برای اجرای این سیاست، با نادیده گرفتن و کوچک‌شماری فرهنگ قوم فرودست



همراه خواهد بود و طی آن «دیگری» قوم برتر ساخته می‌شود و در مرحله بعد در وضعیتی که مقاومت از سوی قوم اقلیت شکل گرفته، گروه حاکم در جریان سرکوب این مقاومت ناگزیر است به دیگری‌سازی شدت ببخشد.

در مقابل الگوی همسان‌ساز، الگوی تکثرگرا از سوی نظریه‌پردازان پیشنهاد شده که بر مبنای آن در جامعه کثرت‌گرا، الحاق تمام گروه‌های فرهنگی و مذهبی به یک نظام اجتماعی به نحوی دنبال می‌شود که متضمن حفظ و حراست از ارزش‌ها و حقوق همه‌ی گروه‌ها اعم از اقلیت و اکثریت است. در رویکرد تکثرگرا همزیستی و مشارکت میان گروه‌ها با حفظ مرزهای جداکننده همراه است و با نوعی اشتراک سازمانی میان گروه‌های متمایز آن‌ها را حول یک ساختار مشترک سیاسی-اقتصادی که هر گروه در آن به حقوق خود نائل آید، گرد هم می‌آورد. (Salehi Amiri, 2006).

الگوی تکثرگرا در برابر الگوی همسان‌ساز و خلق دیگری، می‌تواند به‌عنوان رویکرد و پارادایم فکری جایگزین رویکرد موجود مطرح و اتخاذ شود. با انتخاب این رویکرد و تغییر نگاه در سطح کلان به استان‌ها و مناطق مرزی می‌توان امیدوار بود که در سطح پایین‌تر و برنامه‌ریزی نیز تغییرات ایجاد شده به توسعه‌ی اجتماعی و حل مسائل اجتماعی مرزنشینان بیانجامد. اجتماعی کردن فضای امنیتی موجود در مناطق مرزی و مشروعیت بخشیدن به تکثر فرهنگی، زبانی و قومی که در این نواحی وجود دارد، هم امنیت اجتماعی ساکنان این مناطق را تأمین کرده و هم با کاهش مسائل اجتماعی در تأمین امنیت نظامی مرزها و کشور نیز مؤثر خواهد بود. در جدول زیر، خلاصه‌ای از نظریه‌ی تبیین‌کننده و سیاست‌های میانی و اثرات و نتایج این سیاست‌ها ارائه می‌شود.

جدول ۱: رویکرد سیاست خلق دیگری، سیاست‌های سطح میانی و نتایج

Table 1. Another production approach, intermediate policies and results

نتایج و بازخوردها	سیاست‌های سطح میانی	رویکرد اصلی
در سطح بالاتر: خلق گفتمانی وارونه با واکنش‌های تند ایدئولوژیک و قطبی شدن دو تایی‌ها و در نتیجه قوم‌گرایی‌های رادیکال که به هزینه‌های سیاسی برای حکومت می‌انجامد	اتخاذ سیاست همسان‌سازی: * سرمایه‌گذاری برای ترویج فرهنگ قوم مرکز * نادیده انگاشتن یا فرو انگاری فرهنگ اقلیت	سیاست خلق دیگری
در سطح متوسط: تشدید فزاینده‌ی روحیه‌ی مرکز ستیزی و همراه نشدن با گفتمان مرکز و در نتیجه تبدیل مرز از فضای فرهنگی-اجتماعی به فضای سیاسی	* بدیل‌سازی خودبرترانگاران	
در سطح عمومی: بالا رفتن میزان جرائم مرزی که به ایجاد فضای امنیتی نظامی و مدیریت تنبیهی و تهدید محور دامن می‌زند	ایجاد فضای امنیتی و نظامی: * تمرکز بیشتر بر محافظت نظامی از مرزها و سرمایه‌گذاری کم‌تر در ایجاد امنیت غیرنظامی در اثر تهدید انگاشتن مرز نشینان به بهانه هم‌نژادی این قوم با مردم کشورهای هم‌جوار و جرم‌خیزی مناطق مرزی	
ایجاد رنج عدم دسترسی به امکانات بخصوص در مقایسه با مرکز نشینان	اتخاذ سیاست تبعیضی: * برخورد تبعیض‌آمیز در خصوص توزیع منابع و امکانات و مناصب	
ایجاد رنج دور بودن از مرکزیت توجه		

## ۴- روش پژوهش

روش کلی تحقیق روش تاریخی-اسنادی<sup>۱</sup> است. با بررسی تاریخی روند مسائل اجتماعی مرز نشینان در دهه‌ی ۸۰ و ۹۰، به توصیف و تبیین علل شکل‌گیری این مسائل در یک فرایند تاریخی پرداخته خواهد شد. پژوهش تاریخی و استفاده از روش تاریخی بررسی نقادانه‌ی رویدادها، تحولات و تجارب گذشته، محک زدن دقیق شواهد مربوط به روایی منابع اطلاعاتی در گذشته و تفسیر این شواهد است (Kerlinger, 1997:481-482). در نتیجه با رجوع به منابع و اسناد تاریخی دست‌اول و یا دست‌دوم به گردآوری اطلاعات پرداخته خواهد شد. در تحلیل اسناد و داده‌ها از تحلیل محتوا و بخشی فراتحلیل (استفاده از

1. The historical method

تحلیل و نتایج تحقیق دیگران) و گردآوری اطلاعات از تحلیل ثانویه<sup>۱</sup> و در برخی بخش‌ها از تحلیل‌های آماری نیز استفاده می‌شود.

#### ۵- یافته‌های تحقیق

در این بخش ابتدا به رصد خبری مسائل اجتماعی مرز نشینان و پس از آن توصیف دقیق‌تر وضعیت مسائل اجتماعی مناطق مرزی پرداخته و پس از شرح دقیق این وضعیت به علل ایجاد این معضلات، نقد سیاست‌ها و بیان راهکارهای جایگزین می‌پردازیم. هدف از رصد خبری موضوع پژوهش یعنی مسائل اجتماعی مرز نشینان در بین برخی از رسانه‌های اصلی کشور یافتن وضعیت بازنمایی رسانه‌ای از مناطق مرزی است. اینکه در مورد این مناطق چه موضوعاتی به محور اصلی بازنمایی رسانه‌ای تبدیل شده‌اند. به منظور مقایسه‌ی بهتر موضوع مورد بررسی در زمینه‌ی مطرح شده، ابتدا به جستجوی واژه «مرز نشینان» در رسانه‌های خبری مذکور پرداخته‌ایم. خبرهای مورد بررسی در ۵ حوزه‌ی: اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، امنیتی، محیط‌زیستی و سیاسی تقسیم شده‌اند. رسانه‌های مورد بررسی در این بخش شامل خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا) و خبرگزاری باشگاه خبرنگاران جوان بوده است. نتایج این جستجو در جدول شماره ۲ قابل مشاهده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۲. نتایج رصد خبری خبرگزاری‌های ایسنا، ایرنا و خبرنگاران جوان

**Table 2. The results of news monitoring of news agencies ISNA, IRNA Young Journalists Club and**

موضوعات محوری	زمان	تعداد	حوزه‌ها
ساماندهی مبادلات کالا؛ آئین‌نامه فعالیت کولبری؛ قاچاق کالا؛ قاچاق سوخت؛ اشتغال مرز نشینان (ارائه تسهیلات و ...؛ ساماندهی بازارچه‌های مرزی؛ توسعه راه‌های مواصلاتی در مرزها؛ خدمات الکترونیکی به مرز نشینان؛ دستگیری صیادان غیرمجاز	از آذر ۱۳۷۹ الی خرداد ۱۴۰۰	456	اقتصادی
خدمات بهداشتی و درمانی؛ خطر وضعیت بهداشتی همسایگان برای مرز نشینان (عراق)؛ جلوگیری از بیماری (آنفلانزا)؛ امنیت اجتماعی؛ مباحث آموزشی و کمبود امکانات آموزشی؛ جلوگیری از تهاجم فرهنگی	از مرداد ۱۳۸۱ الی خرداد ۱۴۰۰	28	اجتماعی - فرهنگی
ایجاد امنیت پایدار از طریق تعامل با مرز نشینان؛ وضعیت مطلوب امنیت مرزها؛ نقش مرز نشینان در مبارزه با قاچاق کالا؛ قاچاق سوخت؛ قاچاق مواد مخدر؛ تعامل با کشورهای همسایه برای حفظ امنیت؛ رزمایش مشترک؛ ورود غیرمجاز اتباع کشورهای همسایه؛ انسداد مرز (بودجه و...؛ جنایات تروریستی؛ جشنواره‌ی امنیت مرز؛ نقش رسانه بر تأثیر امنیت	از مهر ۱۳۸۱ الی خرداد ۱۴۰۰	283	امنیتی
مقابله با ریزگردها، افزایش دما، بیابان‌زدایی	از مرداد ۹۳ الی خرداد ۱۴۰۰	14	محیط - زیستی
-	-	-	سیاسی
	از آذر ۱۳۷۹ الی خرداد ۱۴۰۰	781	مجموع

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود از ۷۸۱ مورد نتیجه‌ی جستجو، بیشترین اخبار در مورد حوزه‌ی اقتصادی با ۴۵۶ خبر یعنی ۵۸ درصد از کل اخبار مربوط به مرز نشینان با اهم موضوعاتی چون ساماندهی مبادلات مرزی، اشتغال مرز نشینان، بازارچه‌های مرزی و... است. پس از آن حوزه‌ی امنیتی با ۲۸۳ خبر یعنی ۳۶ درصد کل اخبار قرار دارد؛ اما در حوزه‌ی اجتماعی و فرهنگی مرز نشینان تنها ۲۸ خبر (۳٫۵ درصد) وجود داشته که

موضوعات متفاوتی چون وضعیت بهداشت و آموزش مرزنشینان و تهاجم فرهنگی در این نواحی پرداخته است. در انتها نیز حوزه‌ی محیط‌زیست با ۱۴ خبر (۱,۷ درصد) خبر و حوزه‌ی سیاست بدون خبر قرار دارند. جستجوی واژه‌ی مرزنشینان در رسانه‌های بزرگ و معتبر کشور می‌تواند در نشان دادن رویکرد غالب و نگاه رایج به مسائل اصلی مرزنشینان کمک شایانی کند. همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، حوزه‌های امنیتی و اقتصادی بالاترین توجه رسانه‌های خبری را داشته و از مسائل کلیدی دیگر حوزه‌ها از جمله مسائل اجتماعی و فرهنگی به شدت غفلت شده است.

نتایج این جستجو تأیید می‌کند که یکی از مسائل اساسی ما در برخورد با مشکلات مرزنشینان رهایی از این رویکردها و نگاه‌های رایج و مرسوم به موضوع است. تأکید بر ابعاد امنیتی مناطق مرزی به امنیتی‌سازی فضا و ایجاد دیگری (مرزنشینان) می‌انجامد؛ و تأکید بیش‌ازحد بر یک عامل (اقتصادی) چه در بررسی مسائل آن و چه به‌عنوان راهکار برون‌رفت از وضعیت توسعه‌نیافته‌ی ساکنین این مناطق موجب می‌شود که از مسائل اساسی دیگر ابعاد حیات اجتماعی و زیست جمعی و اثرات آن بر ایجاد این مسائل و یا انتخاب آن‌ها به‌عنوان راهکار غفلت شود. مسائل اقتصادی مرزنشینان از اهمیت بالایی برخوردار است، اما تأکید بیش‌ازحد بر این مسائل و غفلت از مسائل اساسی حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مانند مهاجرت، وضعیت بهداشتی و آموزشی نامساعد، اقلیت‌بودگی فرهنگی و یا عدم مشارکت سیاسی در اداره‌ی امور منطقه نه‌تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه به بازتولید وضعیت کنونی می‌انجامد.

اما به‌منظور تبیین دقیق‌تر وضعیت اقتصادی استان‌های مرزی، یا به‌عبارت‌دیگر بررسی نتایج سیاست‌ها و برنامه‌های دولت مرکزی نسبت به استان‌های مرزی در مقوله‌ی اقتصادی و پیامدها و اثرات وضعیت اقتصادی بر مسائل اجتماعی به شاخص نرخ بیکاری در این مناطق جغرافیایی می‌پردازیم. در طول سال‌های مختلف، استان‌های مختلفی جزو بالاترین نرخ بیکاری کشور بوده‌اند که در بین آن‌ها استان‌های مرزی کشور غالب بوده‌اند. جدول شماره ۳ نمونه‌ای از بالاترین نرخ بیکاری در سال‌های گذشته و وضعیت استان‌های مرزی

در این سال‌ها است.

جدول ۳. نرخ بیکاری در سه استان اول مرزی، ۱۴۰۰-۱۳۹۱

**Table 3. Unemployment rate in the first three border provinces, 2012-2022**

سال	استان	میانگین کشور	استان اول مرزی	استان دوم مرزی	استان سوم مرزی
۱۳۹۱		۱۲.۱	ایلام: ۱۷.۲	کرمانشاه: ۱۶.۱	گیلان: ۱۵.۵
۱۳۹۲		۱۰.۴	کرمانشاه: ۱۴.۶	ایلام: ۱۳.۸	کردستان: ۱۳.۶
۱۳۹۳		۱۰.۶	کرمانشاه: ۱۵.۷	خراسان شمالی: ۱۴.۲	گلستان: ۱۲.۴
۱۳۹۴		۱۱	کرمانشاه: ۱۷.۶	کردستان: ۱۳.۳	خراسان رضوی: ۱۳.۳
۱۳۹۵		۱۲.۶	کرمانشاه: ۲۵.۱	کردستان: ۱۶.۳	اردبیل: ۱۵.۷
۱۳۹۶		۱۲.۱	کرمانشاه: ۲۱.۶	خوزستان: ۱۴.۷	آذربایجان غربی: ۱۴.۳
۱۳۹۷		۱۲	کرمانشاه: ۱۸.۷	سیستان و بلوچستان: ۱۶	خوزستان: ۱۵.۷
۱۳۹۸		۱۰.۶	کرمانشاه: ۱۵.۷	خوزستان: ۱۴.۵	کردستان: ۱۴.۴
۱۳۹۹		۹.۶	کرمانشاه: ۱۴.۹	هرمزگان: ۱۳.۵	آذربایجان غربی: ۱۳.۲
۱۴۰۰		۹.۲	هرمزگان: ۱۵.۸	کرمانشاه: ۱۴.۹	خوزستان: ۱۲.۶

منبع: Statistical Center of Iran, www.amar.org.ir

در جدول شماره ۳، به سه استان اول مرزی از منظر نرخ بیکاری در چند سال اخیر پرداخته- ایم. همان‌طور که مشاهده می‌شود اختلاف نرخ بیکاری استان‌های مرزی با میانگین کشوری بسیار بالا بوده است (البته در بعضی از سال‌ها، استان‌های غیرمرزی بالاترین نرخ بیکاری را داشته‌اند، اما استان‌های مرزی غالباً در ۵ استان با رتبه بالا در بیشترین نرخ بیکاری بوده‌اند). به‌منظور تبیین بهتر وضعیت اقتصادی و معیشتی استان‌های مرزی، به شرایط شهرستان‌های استان‌های مرزی می‌پردازیم.

جدول ۴. نرخ بیکاری و رتبه شهرستان‌های استان‌های مرزی در کشور

Table 4. Unemployment rate and ranking of border provinces in the country

رتبه شهرستان	استان	نرخ	نوع شهرستان	رتبه شهرستان	استان	نرخ	نوع شهرستان
۱- اسلام آباد غرب	کرمانشاه	38.6		۱۳- سردشت	آذربایجان غربی	23	مرزی
۲- ثلاث باباجانی	کرمانشاه	36.2	مرزی	۱۴- مسجد سلیمان	خوزستان	22.7	
۳- جوانرود	کرمانشاه	32.6	مرزی	۱۵- خلخال	اردبیل	22.4	
۴- روانسر	کرمانشاه	31.5		۱۷- هفتگل	خوزستان	21.5	
۵- هرسین	کرمانشاه	29.7		۱۸- لالی	خوزستان	21.4	
۶- میوان	کردستان	28.6	مرزی	۱۸- گمیشان	گلستان	21.4	مرزی
۷- پاوه	کرمانشاه	28.2	مرزی	۹- سرپل ذهاب	کرمانشاه	21.3	مرزی
۹- گیلانغرب	کرمانشاه	25.8		۲۰- ملکان	آذربایجان شرقی	21.2	
۱۱- هشترود	آذربایجان شرقی	24.3		۲۱- میانه	آذربایجان شرقی	21.1	
۱۲، کرمانشاه	کرمانشاه	24.1		۲۲- دیلم	بوشهر	20.4	مرزی

منبع: Report of Literacy and illiteracy ranking of the country's provinces (2020)

همان‌طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، شهرستان‌های استان‌های مرزنشین بالاترین نرخ بیکاری را در کشور دارند. به طوری که در ۲۲ شهرستان اول کشور از این منظر، ۲۰ شهرستان در استان‌های مرزنشین قرار دارند و از این تعداد نیز ۸ شهرستان یعنی ۴۰ درصد از ۲۰ شهرستان با نرخ بیکاری بالا در مرز قرار داشته و شهر مرزی محسوب می‌شوند. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، یکپارچگی واقعیت اجتماعی است. پدیده‌های اجتماعی تحت تأثیر تنها یک عامل ایجاد نمی‌شوند و در واقعیت، برهم‌کنش و اثرگذاری حوزه‌های تحلیلی بر یکدیگر پدیده‌های اجتماعی را شکل می‌دهند. در این موضوع نیز، وضعیت نامناسب اقتصادی استان‌های مرزنشین، به خصوص شهرهای مرزی که نمود آن نرخ بیکاری بالای آن‌ها است بر پدیدآوری مسائل اجتماعی اثرگذار است. یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی گسترش فقر است. در ادامه به وضعیت فقر در استان‌های مرزی

می‌پردازیم.

در رویکردهای جدیدتر سنجش فقر به جای رهیافت درآمدمحور، رویکرد قابلیت‌های انسانی مطرح شده است. در واقع به جای سنجش فقر با درآمد و حتی شکل توزیع آن به مواردی مانند بی‌سوادی، سوء تغذیه، مرگ‌ومیر کودکان و... توجه شده است. تحت تأثیر دیدگاه آمارتیا سن و با بیان مفهوم قابلیت، دیدگاه‌های توسعه و رفاه از درآمدمحوری به انسان‌محوری یا همان قابلیت محوری سوق داده شد. قابلیت به این معنا است که افراد واقعاً قادر به انجام دادن آن هستند یا خیر، یعنی امکان‌های مختلفی برای انتخاب داشته باشند؛ بنابراین قابلیت‌های فراروی از فقر تنها با میزان درآمد قابل سنجش نیست و مواردی مانند سواد، سلامتی، تغذیه مناسب و... بر قابلیت افراد اثرگذار است (Khalaj & Yousefi, 2014: 50-51). طبق همین دیدگاه به بررسی استان‌های کشور با رویکرد قابلیت محور و با بررسی سه مؤلفه سلامتی، آموزش و استاندارد زندگی پرداخته‌ایم. فقر از دو بُعد میزان و شدت تشکیل شده است که فقر چندبعدی حاصل ضرب میزان و شدت فقر است. جدول شماره ۵ نسبت سرشمار تعدیل شده استان‌های کشور را نشان می‌دهد.

جدول ۵. نسبت سرشمار تعدیل شده در استان‌های کشور، ۱۳۸۵

**Table 5. Adjusted census ratio in the provinces of the country, 2007**

استان	فقر	استان	فقر	استان	فقر
تهران	0.015	سمنان	0.031	مرکزی	0.042
مازندران	0.017	آذربایجان شرقی	0.032	زنجان	0.042
بوشهر	0.021	کرمانشاه	0.035	آذربایجان غربی	0.043
قزوین	0.024	خوزستان	0.036	کهگیلویه و بویراحمد	0.044
قم	0.024	گیلان	0.037	کردستان	0.045
گلستان	0.025	خراسان رضوی	0.038	خراسان شمالی	0.054
اصفهان	0.028	لرستان	0.039	هرمزگان	0.065
فارس	0.029	اردبیل	0.039	خراسان جنوبی	0.073
ایلام	0.029	چهارمحال و بختیاری	0.040	کرمان	0.081
همدان	0.030	یزد	0.040	سیستان و بلوچستان	0.141
میانگین استان‌های مرزی: 0.054			میانگین استان‌های غیرمرزی: 0.036		

منبع: Khalaj and Yousefi, 2014

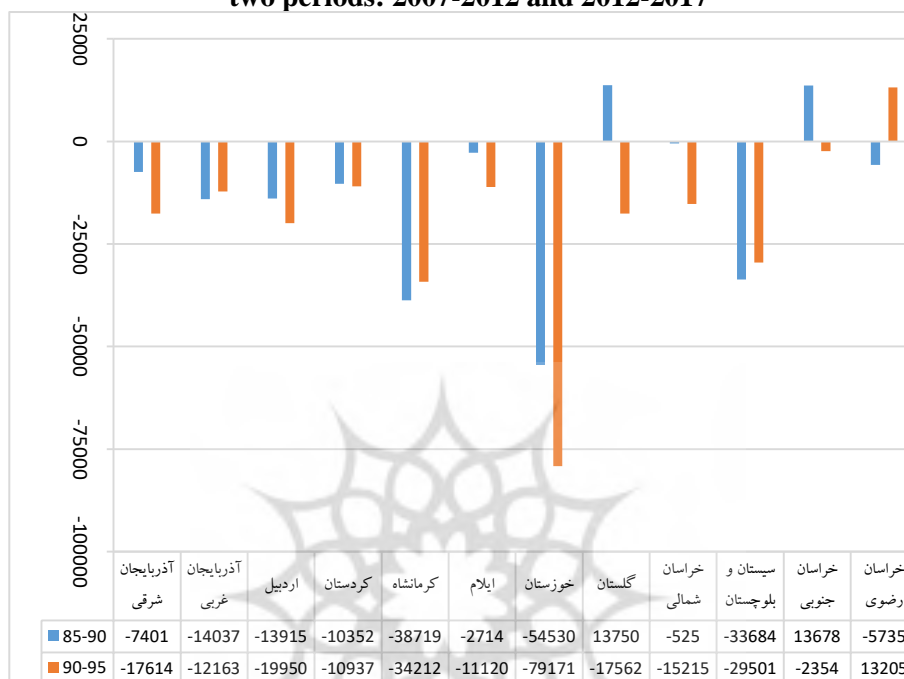


همان‌گونه که بیان شد، نسبت سرشمار تعدیل‌شده از حاصل ضرب میزان و شدت فقر به دست می‌آید؛ بنابراین هرچه مقدار این شاخص بیشتر باشد، نشان‌دهنده گسترده‌گی فقر هم از نظر تعداد فقیران و هم از نظر شدت محرومیت آن‌ها است. اکثریت استان‌های مرزی کشور دارای بالاترین میزان شاخص فقر هستند. با مقایسه‌ی بین میانگین استان‌های مرزی و غیرمرزی این تفاوت بیشتر نمایان می‌شود. میانگین این نسبت در استان‌های مرزی ۰,۰۵۴ و برای استان‌های غیرمرزی ۰,۰۳۶ است؛ یعنی میانگین استان‌های مرزی ۱,۵ برابر فقیرتر از استان‌های غیرمرزی هستند. علاوه بر وجود و گسترش فقر در استان‌های مرزی، این استان‌ها تحت تأثیر این مسائل اقتصادی با مشکلات عدیده‌ی اجتماعی دیگر از جمله مهاجرت مواجه شده‌اند. در ادامه به وضعیت مهاجرتی این مناطق می‌پردازیم.

مهاجرت از استان‌های مرزی و به‌خصوص مناطق مرزی و خالی شدن این مناطق از سکنه موجب معضلات متعدد اجتماعی مثل تفاوت فرهنگی مبدأ و مقصد، طرد اجتماعی در مبدأ، حاشیه‌نشینی، تبعیض در مقصد و... می‌شود. یکی از پیامدهای اصلی مهاجرت از مناطق مرزی، خالی شدن این مناطق از سکنه است که متعاقب آن کنترل امنیت این مناطق چه امنیت نظامی و چه جلوگیری از قاچاق کالا و... به‌شدت برای سیستم مرکزی دشوار می‌شود. نمودار زیر روندهای مهاجرتی استان‌های مرزی را نشان می‌دهد. روندهای ده‌ساله مهاجرت را در جدول زیر مشاهده می‌کنیم.

شکل ۱. نمونه‌ای از موازنه مهاجرتی استان‌های مرزی، در دو دوره ۹۰-۹۵ و ۸۵-۹۰

**Fig 1. An example of the migration balance of the border provinces, in two periods: 2007-2012 and 2012-2017**



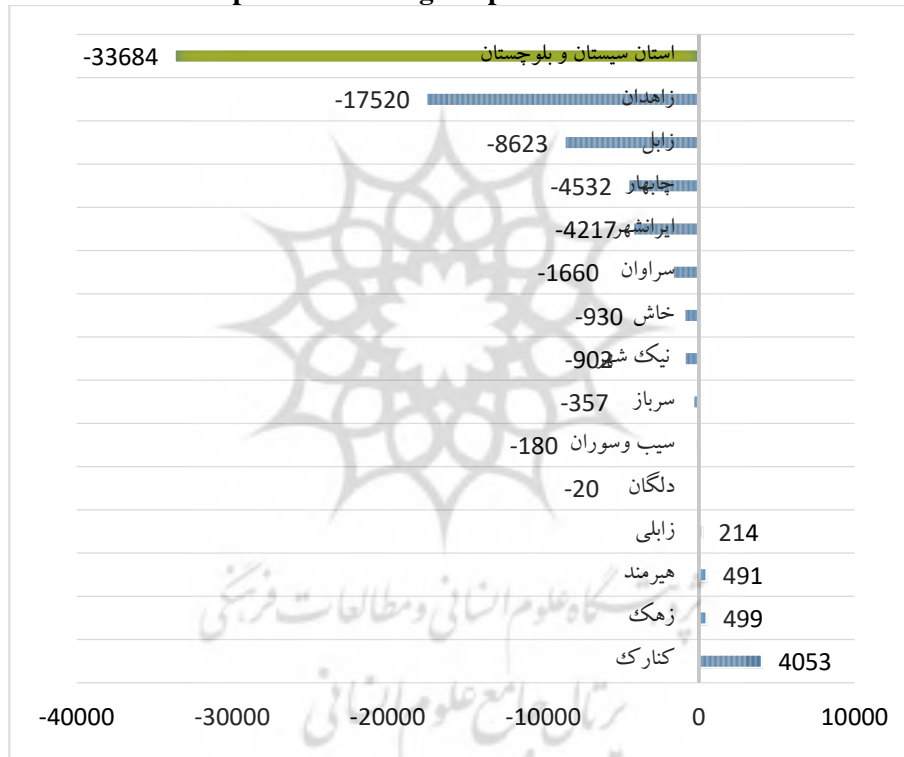
منبع: Statistical Center of Iran, Population and Housing Censuses 2017 and 2012

همان‌طور که در نمودار بالا مشاهده می‌شود، ۹ استان مرزی از ۱۶ استان مرزی کشور در هر دو دوره یعنی به مدت ده سال موازنه مهاجرتی منفی داشته و مهاجرین خارج شده از استان بیشتر از مهاجرین وارد شده بوده و سه استان نیز حداقل در یک دوره‌ی زمانی بررسی شده دارای مهاجرت معکوس بوده است. با توجه به اینکه اکثریت استان‌های غیرمرزی موازنه مهاجرتی مثبت دارند (۸ استان غیر مرزی موازنه مهاجرتی مثبت دارند) و بیشتر مهاجرت‌های معکوس از مناطق و استان‌های مرزی صورت می‌گیرد، این آمار مؤید وضعیت نابسامان استان‌های مرزی چه به لحاظ اقتصادی و چه از منظر مسائل اجتماعی است. به‌منظور توصیف بهتر وضعیت مهاجرتی استان‌های مرزی، آمار استان سیستان و بلوچستان را به‌طور دقیق‌تر بررسی می‌کنیم. همان‌گونه که در نمودار شماره ۲ مشخص

است، از حاصل موازنه مهاجرتی کل استان، تعداد ۲۸۵۴۵- نفر حاصل موازنه مهاجرتی شهرستان‌های مرزنشین است؛ به عبارت دیگر اکثریت خروج مهاجرین یعنی ۸۵ درصد از حاصل موازنه مهاجرتی استان، یعنی کسانی که از استان مهاجرت کرده‌اند، از شهرستان‌های مرزنشین صورت گرفته است.

شکل ۲. تعداد خالص مهاجران استان سیستان و بلوچستان طی دوره ۹۰-۱۳۸۵

**Fig 2: The net number of immigrants in Sistan and Baluchistan province during the period 2007-2012**



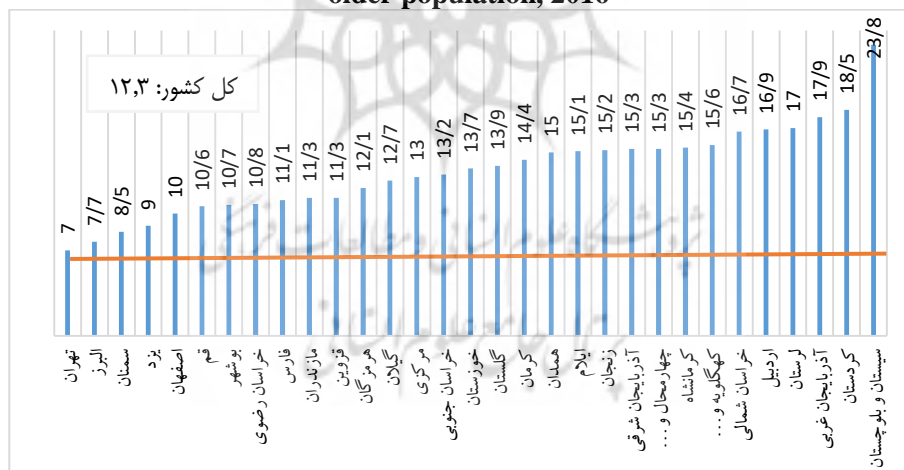
منبع: Statistical Yearbook of the country (2016), Statistics Center of Iran

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، نرخ بالای بیکاری و وضعیت معیشتی و اقتصادی نامناسب استان‌های مرزی به‌طور مستقیم بر مسائل اجتماعی اثرگذار است. یکی از پیامدهای جدی آن نیز مهاجرت بالای استان‌ها و مناطق مرزی به سمت مرکز کشور است. از دیگر عوامل

تشدید کننده وضعیت نابسامان مناطق مرزی، کمبود امکانات و منابع ضروری زندگی است. در واقع، از پیامدهای سیاست‌های کلان یعنی دیگری سازی از استان‌های مرزی، کمبود امکانات خدماتی-رفاهی در این مناطق است. همین ضعف منابع و امکانات نیز بر تشدید مسائل اجتماعی استان از جمله مهاجرت نیز اثرگذار است. در ادامه وضعیت خدمات آموزشی و بهداشتی مناطق و استان‌های مرزی را به عنوان یکی از شاخص‌های رفاهی ضروری و حداقلی زندگی بررسی می‌کنیم. نسبت جمعیت بی سواد به جمعیت کل، یکی از شاخص‌های مهم در زمینه آموزش، آسیب‌های اجتماعی، دستیابی به رفاه و توسعه است. از این رو، در مجموعه‌ی شاخص‌های توسعه‌ی هزاره نیز از شاخص‌های کلیدی محسوب می‌شود. بر این اساس مطابق با توصیه‌های بین‌المللی نسبت افراد بی سواد ۶ ساله و بیشتر (یا باسواد ۶ ساله و بیشتر) به کل جمعیت ۶ ساله و بیشتر جهت محاسبه‌ی نرخ بی سواد (یا نرخ باسوادی) به کار می‌رود.

شکل ۳. رتبه‌بندی نسبت بی سواد جمعیت ۶ ساله و بیشتر کشور، ۱۳۹۵

Fig 3. Ranking of the illiteracy ratio of the country's 6-year-old and older population, 2016



منبع: Report of Literacy and illiteracy ranking of the country's provinces(2020)

همان گونه که در نمودار بالا به وضوح مشخص است، وضعیت سواد عمومی در استان‌های مرزی نسبت به میانگین کشور و دیگر استان‌ها به مراتب نامناسب‌تر است. از ۱۹ استان که

نرخ بی سوادی آن‌ها از میانگین کشوری بالاتر است، ۱۲ استان جزو استان‌های مرزی محسوب می‌شوند؛ به عبارت دیگر، ۱۲ استان از ۱۶ استان مرزی (۷۵ درصد) نرخ بی سوادی بالاتر از میانگین کشوری دارند. این آمار مؤید وضعیت نامناسب امکانات و منابع آموزشی در این استان‌ها است که حتی در آموزش و گسترش سواد عمومی نیز به شدت مشکل دارند.

اما اگر همین آمار را نسبت به تفکیک جنسی بازآرایی کنیم، مشاهده می‌کنیم که در سوادآموزی وضعیت زنان نسبت به مردان به مراتب وخیم‌تر است. در تمام این استان‌های مرزی که نرخ بی سوادی در آن بالاتر از میانگین نرخ کشوری است، نرخ بی سوادی در زنان تقریباً دو برابر مردان است. در واقع، وضعیت قشر زنان در استان‌های مرزی به مراتب از دیگر اقشار وخیم‌تر است. به منظور بررسی مسائل اجتماعی این مناطق و شناسایی گروه‌های آسیب‌دیده و یا در معرض آسیب، زنان از اولویت بالاتری برخوردار هستند. قشری که هم در تحمل رنج مسائلی چون فقر، مهاجرت، مسائل محیط‌زیستی و... با دیگر اقشار سهیم است و هم در برخورداری از منابع و امکانات آموزشی و بهداشتی نسبت به دیگر گروه‌ها وضعیت نامناسب‌تری دارد.

جدول ۶. نرخ بی سوادی استان‌های مرزی بالاتر از میانگین به تفکیک مرد و زن

**Table 6. The illiteracy rate of the border provinces is higher than the average by males and females**

استان	کل	مرد	زن
کشور	12.3	8.9	15.8
گیلان	12.7	8.9	16.4
خراسان جنوبی	13.2	9.5	16.9
خوزستان	13.7	9.9	17.5
گلستان	13.9	9.4	18.4
ایلام	15.1	10.8	19.4
آذربایجان شرقی	15.3	10.6	20.1
کرمانشاه	15.4	10.6	20.4
خراسان شمالی	16.7	12.1	21.3
اردبیل	16.9	11.2	22.9

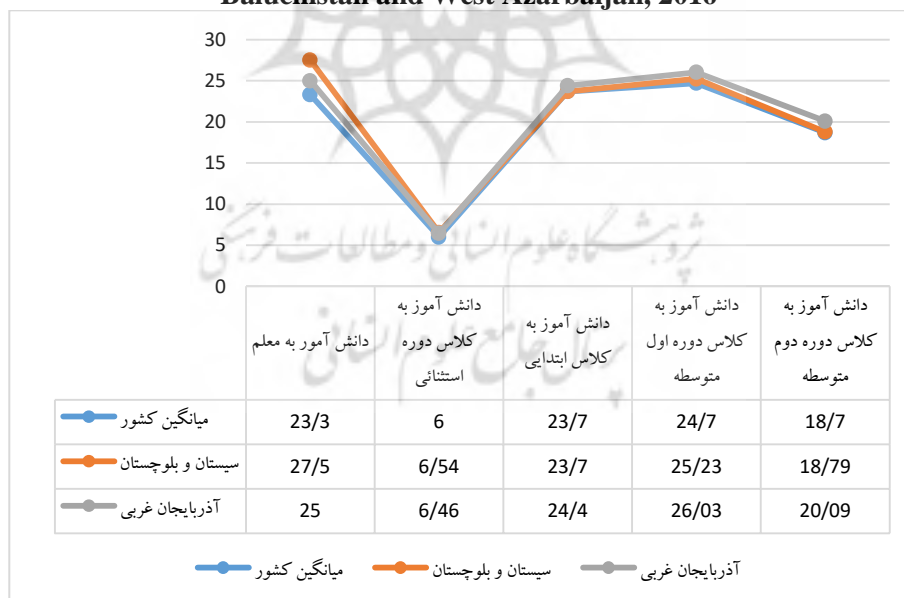
استان	کل	مرد	زن
آذربایجان غربی	17.9	11.7	24.3
کردستان	18.5	12.1	25
سیستان و بلوچستان	23.8	18.7	29.1

منبع: Report of Literacy and illiteracy ranking of the country's provinces(2020)

به منظور بررسی وضعیت دقیق تر امکانات آموزشی استان های مرزی، استان سیستان و بلوچستان و آذربایجان غربی از دو نقطه ی جغرافیایی مقابل هم بررسی می شود. در سال ۱۳۹۵ میانگین کشوری دانش آموز به معلم (در تمام دوره های تحصیلی) ۲۳,۳ نفر است که همین شاخص برای آذربایجان غربی ۲۵ و در استان سیستان و بلوچستان ۲۷,۵ نفر است. همان گونه که در نمودار زیر مشاهده می شود، استان های سیستان و بلوچستان و آذربایجان غربی در تمامی شاخص ها که نشانگر امکانات و فضای آموزشی است، از میانگین کشوری وضعیت نامناسب تری دارند.

شکل ۴. شاخص های آموزشی دو استان سیستان و بلوچستان و آذربایجان غربی، ۱۳۹۵

**Figure 4. Educational indicators of two provinces of Sistan and Baluchistan and West Azarbaijan, 2016**



منبع: Statistical Yearbook of the country (2016), Statistics Center of Iran

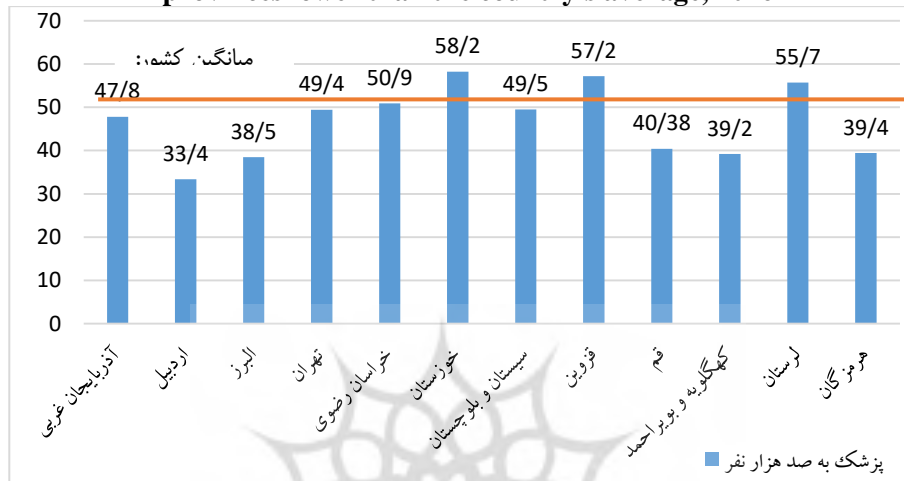
در این شاخص‌ها به نسبت تعداد دانش‌آموز به کلاس‌های درس پرداخته شد، علاوه بر آمارهای کمی باید به کیفیت این کلاس‌ها و مدارس نیز توجه کرد. به‌طور مثال در استان سیستان و بلوچستان به اذعان مدیرکل نوسازی این استان، از مجموع ۱۸ هزار و ۹۵۴ کلاس درس استان، بیش از ۱۰ هزار کلاس درس نیازمند تخریب، بازسازی و مقاوم‌سازی بودند، حدود ۱۵۰ کلاس کپری در این استان شناسایی شده و حداقل ۲۰ درصد از کلاس‌های استان چندپایه هستند (ISNA, 2017). یا به گفته معاون پژوهشی آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی، این استان نیازمند ۵ هزار کلاس درس است تا به استاندارد کشوری دست یابد (IRNA, 2016).

نباید فراموش کنیم که آمار موجود مربوط به کودکانی است که امکان تحصیل داشتند، در صورتی که علاوه بر این آمار، باید تعداد کودکان بازمانده از تحصیل را نیز بر شرایط نامساعد آموزشی استان‌های مرزی اضافه کرد. به‌طور مثال در استان سیستان و بلوچستان به اذعان نماینده این استان در مجلس شورای اسلامی تخمین تعداد افراد بین ۶ تا ۱۸ سال که از تحصیل بازمانده‌اند، نزدیک به ۱۱۹ هزار نفر است. آمار بالای این کودکان با توجه به جمعیت ۶۲۱ هزار نفری کنونی دانش‌آموز در این استان نشان می‌دهد که بالغ بر ۱۶ درصد از جمعیت در سن تحصیل در این استان از تحصیل محروم هستند (Khane Mellat News Agency, 2016). در بخش بعدی به شاخص‌های بهداشتی و وضعیت توزیع منابع و امکانات بهداشتی و درمانی در مناطق مرزی می‌پردازیم.

وضعیت بهداشتی و درمانی از دیگر شاخص‌های توسعه است که نشان‌دهنده وضعیت امکانات لازم برای زندگی حداقلی است. نمودار زیر شاخص نسبت پزشک به صد هزار نفر را در استان‌هایی که پایین‌تر از میانگین کشور (۵۸,۶) قرار دارند نشان می‌دهد. همان‌طور که هویدا است ۶ استان از استان‌های مرزی از وضعیت نامناسبی در این شاخص برخوردار هستند.

شکل ۵: وضعیت شاخص پزشک به صد هزار جمعیت در استان‌های پایین‌تر از میانگین کشور، ۱۳۹۵

Figure 5: Status of physician index per hundred thousand population in provinces lower than the country's average, 2016



منبع: Statistical Yearbook of the country (2016), Statistics Center of Iran

شاخص بعدی در بررسی فضا و امکانات بهداشتی و درمانی تعداد تخت فعال<sup>۱</sup> بیمارستانی است. این شاخص نشان‌دهنده این است که به ازای هر هزار نفر جمعیت چه تعدادی تخت فعال وجود دارد. همان‌گونه که در نمودار شماره ۶ مشاهده می‌شود، ۱۲ استان مرزی کشور یعنی حدود ۸۰ درصد از استان‌های مرزی شاخص تخت فعال بیمارستانی آن‌ها از میانگین کشوری کمتر است. این شاخص برای استان‌هایی همچون سیستان و بلوچستان و بوشهر تقریباً نیمی از میانگین کشور است. کمبود تعداد تخت‌های فعال بیمارستانی نشان از محرومیت این استان‌ها از شاخصه‌های سلامت، بهداشت و درمان دارد. همین مسئله خود موجب بسیاری از معضلات دیگر از جمله مرگ و میر بیشتر، مهاجرت و... می‌شود.

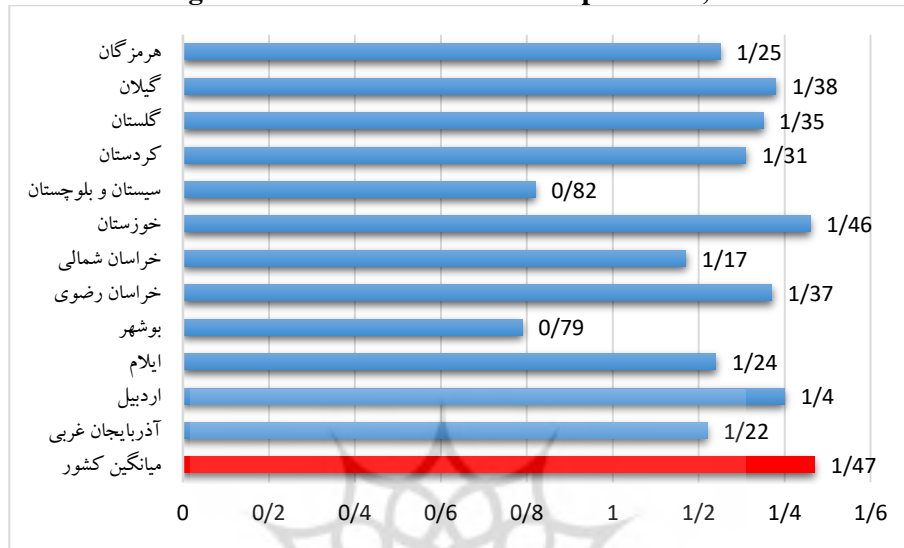
1000\*تخت فعال

۱. شاخص تخت فعال برابر است با: جمعیت استان



شکل ۶. اندکس تخت فعال استان‌های مرزی، ۱۳۹۵

Fig 6. Active bed index of border provinces, 2016



منبع: Statistical Yearbook of the country (2016), Statistics Center of Iran

در پژوهشی که در سال ۱۳۹۶ به بررسی شاخص‌های بهداشتی و درمانی استان‌های کشور پرداخته و در مجله بهداشت و توسعه منتشر شده است، استان‌های کشور را بر اساس 21 شاخص بهداشتی- درمانی با استفاده از تکنیک‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره نظیر روش وزن‌دهی آنترویی و تاپسیس مورد بررسی و سطح‌بندی قرار داده است. حاصل بررسی استان‌های کشور از این منظر در جدول زیر مشاهده می‌شود. طبق این بررسی در بین ۱۵ استان آخر کشور از منظر شاخص‌های بهداشتی و درمانی، ۱۰ استان مرزی قرار دارد؛ به عبارت دیگر، ۶۳ درصد از استان‌های مرزی وضعیت توسعه‌ای مناسبی در این حوزه ندارند، به طوری که حتی شاخص بهداشتی و درمانی اغلب آن‌ها به نیمی از استان‌های برخوردار هم نمی‌رسد.

جدول ۷. ضریب توسعه شاخص‌های بهداشتی و درمانی و رتبه‌بندی استان‌های کشور

**Table 7. Development coefficient of health and treatment indicators and ranking of the country's provinces**

رتبه نهایی	ضریب توسعه	استان	رتبه نهایی	ضریب توسعه	استان
17	0.315	آذربایجان شرقی	1	0.569	گیلان
18	0.312	قزوین	2	0.541	سمنان
19	0.312	خراسان رضوی	3	0.531	یزد
20	0.312	مرکزی	4	0.467	کهگیلویه و بویر احمد
21	0.303	هرمزگان	5	0.457	مازندران
22	0.296	خراسان شمالی	6	0.414	چهارمحال و بختیاری
23	0.295	اردبیل	7	0.390	ایلام
24	0.294	البرز	8	0.362	اصفهان
25	0.283	لرستان	9	0.359	خراسان جنوبی
26	0.272	کرمان	10	0.354	زنجان
27	0.270	آذربایجان غربی	11	0.351	همدان
28	0.262	کردستان	12	0.343	بوشهر
29	0.257	کرمانشاه	13	0.338	تهران
30	0.247	خوزستان	14	0.336	فارس
31	0.231	سیستان و بلوچستان	15	0.326	گلستان
			16	0.316	قم

منبع: Yazdani, Mohammad Hassan and Faramarz Montazer (2017)

بررسی وضعیت و مسائل اجتماعی استان‌های مرزی و مناطق مرزنشین نشان می‌دهد که این مناطق تحت تأثیر جغرافیای خود (دوری از مرکز) و تفاوت‌هایی که در فرهنگ، مذهب و قومیت آن‌ها نسبت به مرکز وجود داشته وضعیت متفاوتی از مرکز و استان‌های توسعه یافته را تجربه می‌کنند. همان‌طور که بالاتر ذکر شد، این مناطق تحت تأثیر سیاست‌ها و رویکردهایی که به آن‌ها اشاره شده است، با مسائل عدیده اقتصادی و اجتماعی که بر یکدیگر اثرگذار بوده، روبه‌رو هستند. نرخ بیکاری بالای این استان‌ها و مشارکت اقتصادی پایین آن‌ها (در استان‌هایی که مشارکت اقتصادی بالا است، بیشتر تحت تأثیر تعداد بالای بیکاران است و نه شاغلین) نشان از وضعیت اقتصادی و معیشتی نامناسب آن‌ها دارد. همان-

طور که دیدیم این عوامل مسائل اجتماعی مهمی چون فقر گسترده، مهاجرت، بی‌سوادی، کمبود امکانات و منابع بهداشتی و درمانی، وضعیت آموزشی نامساعد و وضعیت رفاهی - خدماتی ضعیفی را به وجود آورده است. وجود پایدار این مسائل عمده‌ی اجتماعی و اقتصادی نشان از عدم موفقیت سیاست‌های فعلی برخوردار با استان‌های مرزی دارد و لزوم بازنگری و تغییر آن‌ها را گوشزد می‌کند.

### بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در مبانی نظری گفته شد، رویکرد تهدید محور به استان‌های مرزی (به سبب وجود مرز در این مناطق)، نگاه نظامی به امنیت و همچنین نگرش دیگری‌سازی مرکز تحت تأثیر تفاوت‌های قومی، مذهبی و فرهنگی حاشیه‌های کشور از عوامل اصلی وضعیت فعلی این مناطق است؛ به عبارت دیگر، این رویکردها و پارادایم‌های کلان ترسیم‌کننده‌ی سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی در این مناطق است. باز نمود این سیاست‌ها، برنامه‌ها و نحوه توزیع امکانات را ما در بروز و گسترش مسائل اجتماعی یادشده (فقر، مهاجرت و...) مشاهده می‌کنیم.

به‌طور مثال در بررسی نگاه تک بُعدی و تنها نظامی به امنیت مرزی، توجه به پژوهش انجام‌شده در مورد اثرات احداث دیوار مرزی در استان سیستان و بلوچستان مفید خواهد بود. طبق پژوهشی که به تحلیل اثرات اقتصادی و اجتماعی احداث دیوار مرزی در سال ۹۳ انجام‌شده است، فعالیت‌های اقتصادی، معیشتی و درآمد مرزنشینان کاهش یافته، در زمینه‌ی اثرات اجتماعی تمایل به مهاجرت افزایش (بعد از احداث دیوار و بسته شدن مرز ۷ هزار خانوار سیستانی مهاجرت کرده‌اند) و میزان اوقات فراغت (مسافرت، مهمانی و ...) مرزنشینان کاهش یافته است. تنها اثر مثبت احداث این دیوار کمی کاهش قاچاق سوخت و مواد مخدر بوده است (Mir Lotfi, 2014:109-112).

در صورتی که امروزه، نگاه امنیتی و نظامی صرف به مرزها دیگر پاسخگو نیست و علاوه بر این که باعث می‌شود از پتانسیل‌ها و فرصت‌های مناطق مرزی استفاده نشود، موجب بروز مسائل و مشکلات عدیده‌ای نیز می‌شود. پژوهش‌هایی که به‌طور

پدیدارشناختی به تجربه زیسته مرزنشینان و نگاه آن‌ها به رویکردهای مرکز صورت گرفته است، مؤید وجود احساس قوی دیگربودگی و تبعیض یافتگی در بین مردم این مناطق است. این پژوهش‌ها (Zokaei & Aram, 2014-)، تأیید می‌کنند که مردم این مناطق در تلاش برای فهم مشکلات و سختی‌های زندگی‌شان معنای جدیدی را به آن‌ها می‌دهند و از این طریق روابطی را بین خود و دیگران شکل می‌دهند که در نهایت مرزهای هویت قومی آن‌ها را بازنمایی می‌کنند. در چنین شرایطی مشکلات و سختی‌ها به‌عنوان ابزاری برای بیان متفاوت بودن خود از دیگری به کار برده می‌شوند و چنین توجیه می‌شود که دلیل این مشکلات، همین تفاوت‌هایی است که با دیگران دارند و فرض بر این است که از آنجایی که ما «اقلیت هستیم»، «به لحاظ فرهنگی متفاوت هستیم»، «با ساکنان آن‌سوی مرز فرهنگمان مشترک است» وضعیتمان بدین گونه شده است. این امر باعث ایجاد احساس دیگربودگی در بین مردم این مناطق شده است. در مجموع، مردم مرزنشین چنین تصور می‌کنند که این تبعیض و نابرابری‌ها نتیجه زبان و فرهنگ آن‌هاست که از دیگران متفاوت است. بنابراین، چالش‌های زندگی مرزنشینی در زندگی روزمره دچار استحاله و دگرگونی شده و معنای جدیدی کسب می‌کنند. چالش‌ها و محرومیت‌ها با وارد شدن عواملی همچون فرهنگ و زبان به‌عنوان تهدیدی علیه اجتماعات مرزی در نظر گرفته می‌شوند.

در حقیقت، ساکنان مناطق مرزی به مقایسه وضعیت زندگی خود نه‌تنها برای بیان کمبودهای زندگی‌شان پرداخته، بلکه از طریق یک چنین مقایسه‌هایی متفاوت بودنشان را از دیگران بیان می‌کنند. شکل‌گیری روابط «ما-آنهايي» موجب می‌شود آن‌ها ویژگی‌های اجتماع خودشان را از طریق همین مرزبندی بازنمایی کنند. ساکنان این مناطق تحت تأثیر رویکرد دیگری‌سازی مرکز خود نیز به این نگاه دامن زده و با مقایسه‌ی دائم خود با استان-های توسعه‌یافته مرکزی و وضعیت رفاهی و خدماتی ساکنان آن‌طرف مرز، علت عقب‌ماندگی خود را همین نگاه دیگرساز مرکز می‌دانند؛ به‌عبارت‌دیگر ما شاهد درونی شدن و بازتولید این نگاه دیگربودگی در مناطق حاشیه‌ای هستیم. ادامه‌ی این رویکرد و تقویت و بازتولید آن، چه از طرف مرکز و چه نقاط حاشیه‌ای به رادیکالیزه شدن وضعیت

و تقابل بیشتر حاشیه با مرکز منجر خواهد شد؛ بنابراین تجدیدنظر اساسی در رویکرد کلی به مقوله مرز ضروری است.

در بررسی عوامل اثرگذار بر امنیت مرز و مناطق مرزی پژوهش‌های متعددی صورت گرفته که نگاه نظامی به مرز را نقض کرده و به تأثیر تقویت توانمندی‌های اقتصادی و اجتماعی مرزنشینان بر حفظ امنیت نقاط مرزی تأکید دارد. در این پژوهش‌ها بیشتر به نقش رونق اقتصادی، اشتغال و گسترش بازارچه‌های مرزی در حضور و عدم مهاجرت مرزنشینان از این مناطق و در نتیجه گسترش امنیت توجه شده است. توجه به رونق اقتصادی و وضعیت معیشتی مرزنشینان یکی از راهکارهای اصلی حفظ جمعیت، همکاری بیشتر مردم برای حفظ امنیت و گسترش امکانات رفاهی و خدماتی است.

البته نباید فراموش کرد که در پیشنهاد سیاست‌های جایگزین نیز از نگاه تک‌عاملی و تأکید بر یک عامل پرهیز کرد. نقش عوامل اقتصادی چه به اذعان مردم این مناطق و چه از نگاه نظری بر کاهش مسائل اجتماعی و بهبود شرایط زندگی ساکنان این مناطق انکارناشدنی است اما باید هم‌زمان به دیگر ابعاد لازم توسعه‌ی این مناطق نیز توجه کرد. در حقیقت در کنار توجه به اقتصاد مرزی، باید هم‌زمان به توانمندی‌های درونی مناطق، روستاها و شهرهای مرزنشین چون توجه به اقتصاد کشاورزی، گسترش خدمات رفاهی (آموزشی و بهداشتی) گسترش قابلیت‌های فردی مردم این مناطق نیز مورد توجه قرار بگیرد. نقش دولت در تغییر رویکرد رایج به استان‌های مرزی و اتخاذ برنامه‌های مدون در بحث توسعه‌ی این مناطق انکارناشدنی است. سیاست‌های پیشنهادی در قالب جدول شماره ۸ جمع‌بندی شده است.

جدول ۸. سیاست‌ها و راهکارهای پیشنهادی

Table 8. Suggested policies and solutions


سیاست‌ها و برنامه‌های پیشنهادی	سطوح و ابعاد
۱- تغییر رویکرد تهدیدمحور به رویکرد تلفیقی به مرز ۲- تغییر رویکرد نظامی به امنیت، توجه به ابعاد اجتماعی و اقتصادی امنیت ۳- تأکید بر مشارکت مرزنشینان و ایجاد لوازم مشارکت آن‌ها در حفظ امنیت	پاردایمی و رویکردی

سیاست‌ها و برنامه‌های پیشنهادی	سطوح و ابعاد
<p>۱- تأکید بر توسعه اجتماعی مناطق مرزی</p> <p>۲- گسترش امکانات و منابع آموزشی</p> <p>۳- تجهیز و گسترش امکانات بهداشتی و درمانی</p> <p>۴- بهره‌گیری از توان قبایل و طوایف مرزنشین جهت مدیریت و رفع بحران‌های قومی-مذهبی</p> <p>۵- رعایت حقوق شهروندی و توجه و احترام به آداب و رسوم و عقاید مذهبی مرزنشینان</p> <p>۶- نهادسازی و توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد با کارکرد اجتماعی و فرهنگی</p>	اجتماعی
<p>۱- توسعه و گسترش بازارچه مرزی و همچنین اولویت دادن حق تجارت با روستاییان</p> <p>۲- اجازه تبادل کالاهای مشخص به روستاییان حاشیه مرز جهت افزایش درآمد و جلوگیری از مهاجرت</p> <p>۳- گسترش تعاونی‌های مرزنشینی و شفاف‌سازی قوانین مربوط به آن</p> <p>۴- آموزش روش‌های تجارت و آشنایی با مقررات صادرات و واردات به جمعیت ساکن در منطقه</p> <p>۵- توجه به اقتصاد سنتی (کشاورزی) منطقه و رفع معضلات آن</p>	اقتصادی

### تعارض منافع

تعارض منافع نداریم.

### ORCID

Sarah Yousefikhah 

<http://orcid.org/0000-0001-6575-7774>

Rohollah Ghasemi 

<http://orcid.org/0000-0002-2039-3417>



References:

- Abbaszadeh, M, (2011), the East Construction of the Narrative of the Creation of the "Other" through Representation, *Political and International Approaches*, No. 25, spring. [In Persian]
- Andalib, A (2001), *Basic Theory and Principles of Management of Border Areas of the Islamic Republic of Iran*, Tehran: Faculty of Command and Staff. [In Persian]
- Aslani, A et al (2015), investigating the factors and areas affecting the growth of the tendency to smuggle goods from the point of view of border dwellers (case study of Baneh city). *Research Journal of Border Studies*, 3(1), 55-23.
- Aslani, Ebrahim et al. (2014), Border Markets and Security of Political Borders (Case Study: Jolfa Border Bazaar), *Journal of Border Science and Technology*, No. 8, pp. 29-64. [In Persian]
- Blatter, J (2004) from 'spaces of place' to 'spaces of flows'? Territorial and functional Governance in Cross Border Regions in Europe and North America. *International Journal of Urban and Regional Research*, (28) 3, pp.530-545
- Eagleton, T (1983), *An Introduction to Literary Theory*, Translated into Persian by Abbas Mokhber, Tehran: Markaz Publishing.
- Fotuhi, Sardar, & Fazli. (2019). The lived experiences of the border residents of Nodshe city from the phenomenon of the border. *Iranian Cultural Research Quarterly*, 12(2), 133-152
- Foucault, M (1969). *The Archaeology of Knowledge*. London and New York: Routledge, 2002. ISBN 0-415-28752-9.
- Foucault, M (1995) *Discipline and Punish: The Birth of the Prison*, translated into Persian by Niko Sarkhosh and Afshin Jahandideh, Tehran: Ghazal.
- Foucault, M. (2006). *History of Madness*, translated into Persian by Fatemeh Valiani, Tehran: Hermes.
- Ghadermazi, M and et al (2019), *Evaluation of effective components in the stability of security in border areas*.
- Heidari S, Vakil and Sharareh Saeb (2016), Factors Affecting Border Security from the Perspective of Local Residents (Case Study of Garmi County), *Journal of Border Science and Technology*, No. 19, pp. 1-25. [In Persian]
- IRNA News Agency (2016), the news of increasing 429 classrooms to schools in West Azerbaijan on 10/23/2017, [www.irna.ir](http://www.irna.ir)
- ISNA News Agency (2017), the news of Sistan and Baluchestan Bridge classes will be removed this summer, 05/04/2016, [www.isna.ir](http://www.isna.ir)
- Jumapour, Mahmoud and Ali Talebi (2012). Investigating the role of border dwellers' cooperatives in the development of South Khorasan border

- areas under study: border dwellers' cooperative of the city of Darmian. *Welfare Planning and Social Development*, 10(4), 65-102.
- Karimipour, Y (2000), *an Introduction to Iran and Its Neighbors (Sources of Tension and Threat)*, Tehran: University Jihad. [In Persian]
- Kazemi, R (2016), the Impact of Ethnic Management on Border Security (Case Study of Turkmen Ethnicities in Gonbad and Bandar-e-Turkmen Countries), *Quarterly Journal of Border Science and Technology*, No. 19, winter. [In Persian]
- Kerlinger, F (1997), *Foundations of behavioral research*, translated into Persian by Hassan Pasha Sharifi and Jafar Najafizand, Tehran: Avaye Noor Publication.
- Khalaj, S and Yousefi, A(2014), Zoning of Distribution and Intensity of Multidimensional Poverty in Urban and Rural Areas, *Journal of Spatial Planning and Management*, Volume 18, Number 4, pp. 49-70. [In Persian]
- Khane Mellat News Agency (2016), News of 120,000 people deprived of education in Sistan and Baluchestan / Development credits will not be allocated on 05/17/2016, [www.icana.ir](http://www.icana.ir)
- Khetabi, G (1995), *Control of the Frontier*, Tehran: NAJA Deputy of Education. [In Persian]
- Lotfi, H and Hossein M (2018), *The role of ethnic groups in the social and economic development of border areas*, a study in the southeast of Iran.
- Malek Hosseini, Mohammad Taghi et al. (2015), Assessing the level of social security among border residents of Golestan province and identifying ways to improve it, *Journal of Border Studies*, Third Year, First Issue, Spring. [In Persian]
- Mir Lotfi, Mahmoud Reza, Meysam Bandani and Mehdi Naderianfar (2014), Analysis of socio-economic effects of border wall construction on rural areas of Sistan, *Journal of Applied Research in Geographical Sciences*, No. 35, and pp. 95-116. [In Persian]
- Moraczewska, A (2010), the changing interpretation of border functions in international relations". *Revista Română de Geografie Politică*, Year XII, 2, pp. 329-340.
- Naimi, K and Wafa Mehdizad (2017). Investigating and measuring social trust among the border residents of Marivan city. *Research Journal of Border Studies*, 5(1), 13-33
- Nourbakhsh, Y (2008), Culture and Ethnicity, A Model for Cultural Communication in Iran, *Cultural Research Quarterly*, First Year, Issue 4, winter. [In Persian]
- Ramezani, F and Ghasemi,M (2021). Identification of factors hindering the economic development of border villages from the point of view of



- the border residents of the study area: Torbat Jam-Saleh Abad. *Political Geography Research*, 6(1), 1-23
- Saidipour and Mirzaei, S (2011), Border Cities and Social Issues, *National Conference on Border Cities and Security*; Challenges and approaches
- Peet, R and Elaine Hartwick (1999), *Development Theories, Translated into Persian by Ismail Rahmanpour*. Tehran: Loviyeh.
- Report of Expert commentary on the project: "Organizing border exchanges and presenting corrective proposals (2)" (2004), Parliamentary Research Center, [www.rc.majlis.ir](http://www.rc.majlis.ir). [In Persian]
- Report of Iran Internal Migration Based on the 2011 General Population and Housing Census, Statistics Center of Iran [www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir). [In Persian]
- Report of selected human resources indicators of the country's cities (2017), Statistics and Strategic Information Center, Ministry of Cooperation, Labor and Social Welfare, [www.amarkar.ir](http://www.amarkar.ir)
- Report of Literacy and illiteracy ranking of the country's provinces (2020) Statistics and Strategic Information Center, Ministry of Cooperatives, Labor and Social Welfare, [www.amarkar.ir](http://www.amarkar.ir). [In Persian]
- Rezapour, Z (2016) et al. "Study and investigation of the relationship between social capital and social security among Kurdish and Turkmen border residents in the border areas of North Khorasan." *Journal of Frontier Studies* 4.3: 107-136
- Saidipour, B & Mirzaei, S (2012), Border towns and social issues. National conference of border cities and security, challenges and approaches, Holding period: 1
- Said, Edward, (1978) *Orientalism*, translated into Persian by Abdolrahim Gavahi, Tehran, and Islamic Culture Publishing Office
- Salehi Amiri, R (2006), *Ethnic Conflict Management in Iran*, Tehran: Expediency Council, Strategic Research Center. [In Persian]
- Saremi, A et al. (2016), Ethnic-religious convergence of border residents and its role in sustainable security of the Iran-Pakistan border, *Journal of Border Science and Technology*, No. 17, pp. 121-144. [In Persian]
- Sanaei, E (2005), *Principles and Foundations of Borderlands*, Tehran: Vice Chancellor for Education, NAJA University. [In Persian]
- Simons, J. (2013). *Foucault and the political*. Routledge.
- Shatrian, Met al (2011). The effect of the socio-economic status of the border dwellers on the smuggling of goods (case study: Sistan and Baluchistan, Bushehr and Kurdistan provinces). *Human Geography Research*, 45(2), 157-178
- Sheikhi, MT (2000), *Demographic Analysis and Application*, Tehran: Ishraqi Publications. [In Persian]
- Statistical Center of Iran, [www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir)

- Statistical Yearbook of the country (2016), Statistics Center of Iran  
www.amar.org.ir. [In Persian]
- Tabnak News Agency (2016), News of the closure of 400 border cooperatives in 5 years on 07/02/2016, www.tabnak.ir
- Yazdani, Mohammad Hassan and Faramarz Montazer (2017), A Study of Health Indicators in the Ten Provinces and Regions of Iran, *Journal of Health and Development*, Year 6, Issue 4, pp. 290-301. [In Persian]
- Zare, Z et al (2015), the role of border bazaars in the sense of psychological security of the border residents of Kurdistan province, a case study: the border bazaars of Baneh city. *Journal of Border Studies*, 4(4), 163-200
- Zibande, Adalat and Soudabeh Faiz Bakhsh (2015) Investigating effective factors to improve the participation of border residents in the prevention of border crimes (case study: border city of Astar). *Research Journal of Border Studies*, 3(4), 62-29.
- Zokaei, MS and Nouri, A (2015), Living in Border Areas: A Phenomenological Study of Border Residents in Nosud, Year 6, No. 4, pp. 119-151. [In Persian]



**استناد به این مقاله:** یوسفی خواه، سارا، قاسمی، روح‌الله، (۱۴۰۰). مسائل اجتماعی مرزنشینان: دیگری سازی، بازنمایی رسانه‌ای و امنیتی سازی فضا، فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۸(۹۵)، ۱۴۱-۱۸۲.

DOI: 10.22054/qjss.2022.68321.2542



Social sciences is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License...